

toshkent davlat sharqshunoslik instituti

N. Xodiyeva

fors tilidan mashqlar to‘plami

مجموعه تمرین های فارسی

Toshkent -2010

Mazkur o‘quv qo‘llanma oliy yurtlaridagi bakalavriat yo‘nalishida ikkinchi til sifatida fors tilini o‘rganuvchi talabalar uchun qo‘shimcha material sifatida tayyorlandi.

O‘quv qo‘llanma ToshDShI 5220100-filologiya (arab) ta’lim yo‘nalishi bo‘yicha tahsil olayotgan talabalarga mo‘ljallangan.

Mas’ul muharrir: filologiya fanlari doktori,
professor A. Quronbekov

Taqrizchilar: filologiya fanlari nomzodi, dotsent X. Alimova
katta o‘qituvchi N. Yusupova (325-litsey)

Ushbu o‘quv qo‘llanma Toshkent davlat sharqshunoslik institutining O‘quv-uslubiy kengashi tomonidan tavsiya etilgan (01.04.2010 yildagi, 2-sonli bayonnoma)

©Xodiyev Nozima, 2010

SO‘Z BOSHI

Ushbu qo‘llanma oily o‘quv yurtlaridagi bakalavriat yo‘nalishida ikkinchi til sifatida fors tilini o‘rganuvchi talabalar uchun qo‘shimcha material sifatida tayyorlandi.

Qo‘llanmada fors tilining fonetika, leksikologiya, morfologiya va sintaksis bo‘limlariga oid turli mashqlar, shuningdek, talabalarning og‘zaki nutqlarini shakllantirishga qaratilgan matnlar va topshiriqlar berilgan.

Ushbu kitobdan fors tilidan olingan nazariy bilimlarini mustahkamlash uchun har bir grammatik mavzu bo‘yicha alohida mashq va topshiriqlar, iboralar, insho mavzulari, fors xalq maqollari o‘rin olgan.

Shuningdek, to‘plamga kiritilgan odob-axloq, ma‘naviyat mavzulariga bag‘ishlangan mavzular va ularga asosan berilgan topshiriqlar, sermazmun maqol va o‘gitlar jamlangan to‘plam talabalarda katta qiziqish uyg‘otadi, deb umid qilamiz.

Mazkur qo‘llanma fors tilini amaliy o‘rganish bo‘yicha amalga oshirilgan dastlabki ishlardan bo‘lganligi uchun unda nazardan chetda qolgan masalalar ham bo‘lishi mumkin.

Shuni hisobga olib, kitob yuzasidan bildirilajak samimiy maslahatlaringizni chin dildan qabul qilamiz va keyingi ishlarimizda, albatta, buni inobatga olamiz.

ایران

ایران که در جنوب غربی قاره آسیا واقع شده و جزو کشور های خاور میانه است، از شمال به ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان و به دریای خزر از مشرق به افغانستان و پاکستان از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس و از مغرب به عراق و ترکیه محدود است که ۲۷۰۰ کیلو متر آن را مرز آبی و ۶۰۳۱ کیلومتر آن را مرز زمینی تشکیل می دهد. وسعت اراضی ایران یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار و صد و نود و پنج کیلومتر مربع است. آب و هوای ایران : خزری، بیابانی و نیمه بیابانی است.

مرتفع ترین نقطه ایران: قله دماوند با ۵۶۱۰ متر ارتفاع و طولانی ترین رود: رود کارون با ۸۹۰ کیلومتر امتداد، تنها رود قابل **کشتی رانی** محسوب می شود.

حکومت ایران، جمهوری اسلامی و روز ملی آن بیست و دوم بهمن می باشد.

زبان رسمی: فارسی.

واحد پول: ریال . ۱۰ ریال ایرانی ۱ تومان است.

پرچم از سه رنگ - سبز در بالا، سفید در **وسط** و قرمز در پایین با علامت مخصوص

جمهوری اسلامی ایران و بیست و دو نگاره
"الله اکبر" است.

پایتخت ایران شهر تهران است.
بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ شمسی جمعیت
ایران تقریباً بیش از هفتاد میلیون
نفر است.

ایران بر سر راه آسیای مرکزی و
ترکیه و کشورهای غربی قرار گرفته است
و گروه های قومی متنوعی در آن زندگی
می کنند که از آن جمله می توان فارس
ها، کرد ها، بلوچ ها، بختیاری ها، ترک
ها، آذری ها،
تالش ها، ترکمن ها، قشقایی ها و عرب ها
را نام برد.

بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، کشور
ایران به ۳۰ استان و ۳۳۶ شهرستان و ۸۸۹
بخش و ۱۰۱۵ شهر ها و ۲۴۰۰ دهستان ها
تقسیم می شود.

هر استان با تقسیمات تابعه، زیر
نظر استاندار، هر شهرستان به وسیله
فرماندار و هر بخش توسط بخشدار اداره می
شود.

شهرهای دیدنی ایران شهرهای تهران،
مشهد، اصفهان، تبریز، کرج، شیراز،
اهواز و قم محسوب می شود.

مهمترین محصول صنایع دستی ایران که
هنوز هم شهرت جهانی دارد فرش و گلیم
است.

کشور ایران دارای منابع سرشار نفت و گاز است و از این نظر در جهان اهمیت خاصی دارد. بیشتر منابع نفت ایران در جنوب غربی کشور قرار دارد. نام استان مهم نفت خیز ایران خوزستان است.

تمرینها – Mashqlar

گفتگو – So‘zlashuv

1-mashq.

Nuqtalar o‘rniga kerakli so‘zlarni qo‘yib, dialogni o‘qing.

به جای نقطه ها واژه های لازم را بگذارید و گفتگو را بخوانید.

-سلام علیکم، علی چطور است؟

-علیکم السلام، حسن من ، تو

چطوری؟

-من هم خوبم، تو در کدام دانشگاه

.

-من در دانشگاه خاورشناسی قبول شدم،

تو در کدام دانشگاه؟

-من به شیمی وارد شدم.

- علی، در دانشگاه شیمی زبان

خارجی را می آموزند؟

-در دانشگاه شیمی زبان انگلیسی را

.

-اما، در دانشگاه ما زبان ،

. . . . ، را می آموزند. حالا ما کم

کم زبان فارسی دانشیار زبان

فارسی با ما به زبان فارسی هر

روز از من درسی

-تو کتاب زبان فارسی؟

-البته، ما همه کتاب زبان فارسی

.

-حسن، تو تلفن داری؟ اگر داری شماره

. را به من

- علی، شمارهٔ تلفن ما ۳۹۷۱۹۲ است. تلفن
.... و بیا به خانه
- حتماً می آیم حسن!
- ، علی.

2-mashq.

Quyidagi dialogni o'zingiz davom ettiring.

گفتگوی مذکور را خودتان ادامه
بدهید.

زهرا: سلام علیکم شاهیده.
شاهیده: علیکم السلام، زهرا جان،
حالتان چطور است؟
زهرا: خیلی ممنونم، بد نیستم، تو
چطوری؟
شاهیده: من هم بد نیستم، متشکرم.
زهرا: پدرتان از تهران آمد؟
شاهیده: بله، دیروز صبح آمد.
زهرا: با قطار آمد یا با هواپیما.
شاهیده: با هواپیما آمد.
زهرا: از تهران تا تا شکند با
هواپیما چند ساعت راه است؟
(ادامه دهید)

3-mashq.

Dialogni davom ettiring. Uyingiz va unda nimalar borligi haqida suhbatlashing.

گفتگو را ادامه بدهید راجع به خانه
تان و اجناسی که آنجا هست صحبت بکنید.

-سلام لیلا.

-سلام مینا.

-ساختمانی که تو می بینی خانه من
است. من آنجا زندگی می کنم. خانه من

.....

-

-

4-mashq.

O'z oilangiz haqida gapirib bering.

در باره خانواده خود باز گویی کنید.

بعنوان مثال:

من اهل تاشکند هستم. خانواده ما در
شهر تاشکند زندگی می کند. در خانواده
پنج نفر هستیم.....



5-mashq.

Dialogni o'qing va siz ham shunga o'xshashini tuzing.

گفتگورا بخوانید و گفتگوی مانند آن بسازید.

جواد: این عکس-عکس اهل خانواده تو ست؟

رامین: بله این پدر من است. او دکتر است. این مادر من است. مادرم معلم است و این دختر خواهر من است. او دانشجو است.

جواد: پدر و مادر تو خیلی جوان به نظرمی آیند. آنها چند سال دارند؟

رامین: بله، دوستم. آنها خیلی جوان به نظر می آیند. چون ایشان هر روز صبح زود ۴۰ دقیقه ورزش می کنند. پدرم ۵۰ سال دارد، مادرم ۴۶ سال دارد.

جواد: رامین، خواهر تو در کدام دانشگاه درس می خواند؟

رامین: او در دانشگاه تهران در شعبه زبانهای خارجی درس می خواند.

جواد: کدام زبان را می آموزد؟

رامین: زبان ازبکی چون از زبان ازبکی خیلی خوشش می آید.

6-mashq.

Quyidagi savollarga o'qigan matningiz asosida javob bering.

به پرسشهای زیر براساس متنی که خواندید جواب بدهید.

- در عکس چند نفر هستند؟
- شغل پدر و مادر رامین چیست؟
- چرا آنها جوان به نظر می آیند؟
- خواهرش لیلا کجا تحصیل می کند و چه زبانی را می آموزد؟

7-mashq.

O‘qing va tarjima qiling. Siz ham shunga o‘xshash dialog tuzing.

بخوانید و ترجمه کنید. شما هم مثل این گفتگو بسازید.

صحبت تلفنی

- آلو، سلام، خانم.
- سلام.
- ببخشید، اینجا منزل آقای ارکین است؟
- آره، منزل آقای ارکین است، بفرمایید، چی کار دارید؟
- خانم، ببخشید، آقای ارکین خانه هستند؟
- بله آقا، الان صدایش می کنم.
- بی زحمت، خانم.
- آلو بفرمائید، کیستید؟
- آقای ارکین، شما هستید، من حسن هستم، دیروز از **ترمد** آمدم.
- سلام، آقای حسن، خوش آمدید، حالتان چطور است؟ بچه ها چطورند؟ همه شان خوب هستند، انشاء الله؟

- خیلی متشکرم، آقای ارکین، همه خوبند، شما چطورید؟
- تشکر می کنم، من هم خوبم. آقای حسن تشریف بیارید خانه ما. بشینیم، صحبت بکنیم.
- فردا ساعت چهار می آیم.
- خیلی خوب، فعلاً خدا حافظ شما.
- خدا نگهدار.

Fonetika

آواشناسی

1-mashq.

Forscha-o‘zbekcha yoki forscha-ruscha lug‘atdan foydalanib, alifbodagi har bir harfga misollar yozing va ularning tarjimasini yod oling.

از کتاب لغت فارسی به ازبکی یا فارسی به روسی استفاده کرده، به هر حرف الفبا مثال بنویسید و ترجمه آن را از بر کنید.

2-mashq.

Fors tilida nechta unli harf bor?

در زبان فارسی چند تا حرف آوایی هست؟

3-mashq.

Quyidagi so‘zlarni o‘qing, unililarning talaffuzi va imlosiga diqqat qiling.

کلمات زیر را بخوانید و املا و تلفظ حرف آوایی دقت کنید.

روزنامه، دوست، بابا، مادر، پدر،
بد، سفر، ابر، زبان، در، دست، نامه،
زمستان، تابستان، امروز، دل، لباس،
گل، شتر، مرغ، بلبل، سرخ، اردک، دیروز،
مور، آرد، ایران، آسمان، رو، بیمار،
سیب، آب، گلابی، پرتغال، کوه، تیر،
بازار.

4-mashq.

Fors tilida nechta diftong bor?

در زبان فارسی چند تا واکه مرکب
هست؟

5-mashq.

Quyidagi soʻzlarni oʻqing va diftongning talaffuzi va imlosiga diqqat qiling.

کلمات زیر را بخوانید و به املا و تلفظ
واکه مرکب دقت کنید.

دولت، نوبت، نوروز، تولید، میمون،
میدان، حیوان، میل، ایران، روغن، می،
نوکر، مورد، عید، دور.

Morfologiya

مورفولوژی

Soʻroq yuklamasi

ادات استفهام

1-mashq.

Nuqtalar oʻrniga mos soʻroq yuklamasini qoʻying.

جای خالی را با ضمیر پرسشی لازم پر
کنید.

- این دفتر است؟
 آن دانشجو قوم و خویش تو است؟
 این کتاب مال من است؟
 شما باغ دارید؟
 لیلا مترجم انگلیسی نیست؟
 خانه شما اینجا نیست؟

Otlarda son kategoriyasi

Ko'plik

جمع

2-mashq.

A. Quyidagi so'zlarga mos ko'plik qo'shimchasini qo'yning.

جمع این کلمات را بسازید.

| | | |
|---------|-----------|-----------|
| ابرو - | بانو - | روزنامه - |
| پنجره - | بچه - | صندلی - |
| مجله - | گوسفند - | میز - |
| ثروت - | نماینده - | چشم - |

B. Quyidagi so'zlarni fors tiliga tarjima qiling va ularning ko'plik shaklini yasang.

واژه های زیر را به زبان فارسی ترجمه کنید و شکل جمع آنها را بسازید.

| | | |
|------------|-------------|-------------|
| bola - | bosh - | xodim - |
| o'quvchi - | daraxt - | sinf-dosh - |
| talaba - | yo'zuvchi - | ko'z - |
| kiprik - | olma - | qosh - |
| qo'l - | qo'y - | |

3-mashq.

Quyidagi so‘zlarga mos ko‘plik qo‘shimchasini qo‘ying.

جمع این کلمات را بسازید .

| | | |
|-----------|-----------|---------|
| نویسنده - | ستاره - | جمعیت - |
| ماه - | خواننده - | نژاد - |
| رایانه - | استاد - | انگشت - |
| بذله گو - | دیپلمات - | شب - |
| سامانی - | بازو - | سال - |

4-mashq.

Quyidagi so‘zlarga mos ko‘plik qo‘shimchasini qo‘ying.

جمع این کلمات را بسازید .

| | | |
|----------|---------|-----------|
| عبارت - | کلمه - | مقاله - |
| فرمایش - | میوه - | کارخانه - |
| مالک - | معلم - | نمره - |
| مسیحی - | متخصص - | روحانی - |

5-mashq.

Quyidagi soʻzlarni fors tiliga tarjima qiling va ularning koʻplik shaklini yasang.

کلمات مذکور را به زبان فارسی ترجمه کنید و جمع این کلمات را بسازید.

| | |
|----------|----------|
| davlat – | ilm – |
| markaz – | vazir – |
| shaxs – | millat – |
| sheʼr – | shoir – |
| asar – | fan – |

Otning egalik kategoriyasi

ضمایر پیوسته

1-mashq.

Nuqtalar oʻrniga egalik olmoshlardan mosini qoying.

جای حالی جملات را با ضمایر پیوسته پر کنید.

۱. پدر بزرگ و مادر بزرگ
اینجا هستند؟

- نخیر، پدر بزرگ و مادر بزرگ
.... اینجا نیستند، آنها در شهر دیگر
هستند.

۲. خواهر بزرگ پزشک است.

۳. همسایه اهل خوارزم است.

۴. برادر دانشجوی سال دوم
دانشگاه خاورشناسی است.

۵. پدر پس فردا به ترکیه پرواز
می کنند.

۶. کتاب روی میز تحریر است.

2-mashq.

Quyidagi iboralarni fors tiliga tarjima qiling, ulardan foydalanib gap tuzing.

اصطلاحات زیر را به زبان فارسی ترجمه کنید، با استفاده آنها جملات بسازید.

Uning singlisi, bizning uyimiz, sizning qalamingiz, sening kompyutering, mening poyafzalim, bizning institutimiz, sizning korxonangiz, mening kitobim, uning erkatoiy qizi, mening mehribon onam.

Topshiriqlar

1-mashq.

Quyidagi iboralarni o‘qing, ma’nolarini o‘rganib, nutqda qo‘llang.

اصطلاحات مذکور را بخوانید، آنها را حفظ نمائید در گفتار به کار ببرید.

دست شما درد نکنه، روی چشم، قربان شما بروم، تعارف نکنید، خوش آمدید صفا آوردید، مرحمت شما زیاد، سایه شما کم نشود.

2-mashq.

She’rni o‘qing va tarjima qiling.

شعر را بخوانید و ترجمه کنید.

مهر مادر

گویند مرا چو زاد مادر
پستان به دهن گرفتن آموخت
شبها بر گهواره من
بیدار نشست و خفتن آموخت
لبخند نهاد بر لب من
بر غنچه گل شکفتن آموخت
دستم بگرفت و پا به پا برد
تا شیوه راه رفتن آموخت
یک حرف، دو حرف بر زبانه
الفاظ نهاد و گفتن آموخت
پس هستی من ز هستی اوست
تا هستم و هست دارمش دوست

(ایرج میرزا)

3-mashq.

She'rni nasrga o'giring.

شعر "مهر مادر" را به نثر برگردانید.

نمونه: می گویند همین که من به دنیا آمدم مادرم به من پستان به دهن گرفتن را یاد داد.

4-mashq.

Savollarning javobini to`la yozing.

جواب پرسشها را مفصل بنویسید.

۱. شما کی را به اندازه مادرتان دوست دارید؟
۲. مادر پهلوی گاهواره شما نشسته به شما چه یاد داده است؟

۳. آیا مادر وقتی پهلوی گاهواره شما می نشست، خودش می خوابید؟
۴. مادرتان راه رفتن را به شما چطور یاد داد؟
۵. مادرتان حرف زدن را چطور به شما یاد داده است؟
۶. هستی شما از هستی کیست؟
۷. آیا شما هم نسبت به مادر خودتان مهربان هستید؟

Morfologiya

مورفولوژی

Aniq o'tgan zamon fe'li

ماضی مطلق

O'ZN + sh-s. qo'shimchasi

بن ماضی + شناسه صرفی

- qanday yasaladi? ماضی مطلق
- Bu shakldagi fe'llarda urg'u qayerga tushadi?
- inkor yuklamasini qabul qilganda urg'u qayerga tushadi? نه
- asosan qanday gaplarda ishlatiladi? ماضی مطلق

1-mashq.

Berilgan fe'llarni aniq o'tgan zamonning bo'lishli va bo'lishsiz shakllarida tuslang.

فعلهای مذکور را در زمان ماضی مطلق در صورت های مثبت و منفی صرف نمائید.

رسیدن، خواندن، خوردن، برگشتن،
برخاستن، کمک دادن، ادامه دادن، درس خواندن.

| | |
|------------|----------|
| _____ ما | _____ من |
| _____ شما | _____ تو |
| _____ آنها | _____ او |

2-mashq.

Savollarning javobini yozing.

جواب پرسشهارا بنویسید.

۱. این روزها شما داستان کدام نویسنده ایرانی را خواندید؟
۲. دیروز برای شام چی درست کردید؟
۳. چرا دیروز کار نکردید؟
۴. پریروز تو چه کردی؟
۵. وقتی که در را باز کردی کی را دیدی؟



امروز دیر از خواب بیدار شد.

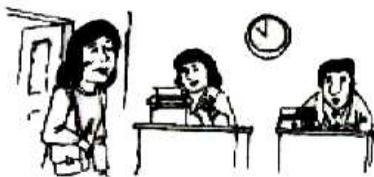


شهرلا دیشب به مهمانی رفت.



به اتوبوس نرسید. به اداره اش پیاده رفت.





به سر كارش دير
آمد.



مد یرش اورا
تنبيه كرد.



امروز خيلي
ناراحت بود.

3-mashq.

Fors tiliga tarjima qiling va o'zingiz yakunlang.

به زبان فارسی ترجمه کنید و خودتان به
اتمام برسانید.



- A. Xush kelibsan, Shahlo. Bugun kuning qanday o‘tdi?
B. Juda yomon o‘tdi.
A. Nima bo‘ldi?
B. Tushdan keyin boshim og‘ridi.
A. Boshing nima uchun og‘ridi?
B. Chunki, boshlig‘im meni urishdi.
A. Boshlig‘ing nima uchun urishdi?
B. Chunki ishga kech bordim.
A. Nima uchun?
B. Chunki
A. Nima uchun?
B. Chunki
A. Nima uchun?
B. Chunki
A. Nima uchun?
B. Chunki kecha oqshom mehmonga borgan edim.

4-mashq.

A. She’ni o‘qing va aniq o‘tgan zamon fe’lini aniqlang.

شعر را بخوانید و فعل ماضی مطلق را بیابید.

چوپان

باز هم چوپان پیر از غم دنیا، شکایت
ده کرد
باز هم، دلتنگی از گلوی نی حکایت

خود را
نی زد و نی زد که خاک صحرا غرق گل
شاید باز
کوچه های تنگ غرق آواز دهل گردد
آبادی
پیر مرد آرام می آسمان تر کن، کمی
نالید:
روستا تب کرده، می سبز کن اینجا و آن
سوزد
پیر مرد آرام می آسمان کم کم پریشان
نالید
ابرها گفتند باید ریختند و باز
ریخت
باران شد
اهل ده را آسمان تر هر کجا لبخند جاری
کرد
باز چوپان نی زد خشکی ده آبیاری شد
اما شاد

(عباسعلی سپاهی)

یوسفی)

B. Mazkur she'ri o'zbek tiliga tarjima qiling.

شعر مذکور را به زبان ازبکی ترجمه کنید.

5-mashq.

Quyidagi parchalarni o'qing, o'zbek tiliga tarjima qiling va aniq o'tgan zamon fe'lini aniqlang.

متن های زیر را بخوانید، بزبان ازبکی ترجمه کنید و فعل ماضی مطلق را بیابید.

در "بزانسن" بودم، یک روز وارد اطاقم شدم، دیدم پیشخدمت آنجا پیش بند چرک آبی رنگ خودش را بسته و مشغول گرد گیری است.

صادق هدایت "اسیر فرانسوی"

در همین موقع هواپیما به زمین نشست و از برخوردار چرخها با زمین هواپیما تکان سختی خورد. هومن که برای برداشتن ساک خودش بلند شده بود، روی صندلی پرت شد.

مودب پور "پریچهر"

بالاخره در یکی از ایستگاه ها پیاده شدیم، اینجا "ویلرویل" بود. از چند کوچه پست و بلند که دیوارهای سنگی و گلی دو طرف آنها کشیده شده بود رد شدیم، رسیدیم روی پلاژ کوچکی که به شکل نان تافتون در بلندی کنار دریا ساخته بودند.

صادق هدایت "زنده به گور"

بعد از حمام کردن، درون رختخواب خزیدم، مثل خیلی خیلی قدیمها. خنک بود و امن.

مودب پور "پریچهر"

در همین موقع، دختری با چادر که فقط
چشمانش از آن بیرون بود، وارد شد و
سلام کرد.

مودب پور "پریچهر"

انشاء بنویسید.
موضوع:

Izofa اضافه

1-mashq.

O'qing va tarjima qiling.

بخوانید و ترجمه کنید.
در ترکیب اضافه دو طرف هست: تعیین
شونده و تعیین کننده. در ترکیب اضافه
تعیین شونده قبل از تعیین کننده می
آید و بعد از طرف اول یعنی تعیین
شونده یک کسره صدای "e" تلفظ می شود.
مثل: کتابِ جالب: در این ترکیب اضافه
کتاب تعیین شونده و جالب تعیین کننده
است.

2-mashq.

Matnni o'qing, izofani aniqlang va tarjima qiling.

متن را بخوانید، ترجمه کنید و اضافه را
بیابید.

شهر تاشکند

شهر تاشکند پایتخت جمهوری ازبکستان است. تاشکند یکی از بزرگترین شهرهای آسیای میانه است.

در قدیم تاشکند را چاچ، شاش، بینکند می نامیدند. مردم ازبکستان امسال ۲۰۰ سالگی شهر تاشکند را جشن می گیرند.

تاشکند از قدیم یکی از مراکز اساسی بود که راههای تجارتي مشرق و مغرب را، شمال و جنوب را و صل می کرد. تاشکند بعد از زلزله ای که در سال ۱۹۶۶ روی داد از نو ساخته شده است.

در تاشکند فرهنگستان علوم ازبکستان، دانشگاهها، آموزشگاههای عالی و متوسطه، دبیرستانها و غیره بسیار موجود است.

بعد از استقلال جمهوری ازبکستان رسیدگی و زیبا سازی در پایتخت و دیگر شهرهای ازبکستان رشد بسیاری داشته است که هم اکنون تاشکند از لحاظ شهر سازی یکی از زیباترین پایتخت های جهان می باشد. جاهای دیدنی تاشکند عبارتند از پارک امیر تیمور، موزه امیر تیمور، شهر بازی تاشکند، باغ وحش، میدان استقلال، موزه هنر (صنایع دستی) و جاهای دیگر.

جمعیت تاشکند حدود دو و نیم میلیون نفر می باشد.

3-mashq.

A. Quyidagi birikmalarni fors tiliga tarjima qiling.

جملات مذکور را به زبان فارسی ترجمه کنید.

O‘zbekiston respublikasining poytaxti, Toshkent shahrining kino va teatrlari, Eron mamlakatining asosiy qishloq xo‘jalik boyligi, Tehronning chiroyli ko‘chalari, O‘zbekiston respublikasining asosiy boylıklaridan biri, xonaning burchagi, Sharqshunoslik institutining talabalari, do‘stimning ahvoli, Eron va O‘zbekiston aloqalari, Milliy teatr artistlari.

B. Ular yordamida jumlar tuzing.

با کمک آنها جملات بسازید.

انشاء بنویسید.
موضوع:
میهن من
ازبکستان است.

Hozirgi-kelasi zamon fe’li

مضارع اخباری

پیشین می + بن مضارع + شناسه صرفی
old qo‘shim. + HZN +sh-s. qo‘shimchasi می

- qanday yasaladi مضارع اخباری
- Bu shakldagi fe’llarda urg‘u qayerga tushadi?
- asosan qanday gaplarda ishlatiladi? مضارع اخباری

1-mashq.

Berilgan fe'llarni hozirgi zamonning bo'lishli va bo'lishsiz shakllarida tuslang.

فعلهای مذکور را در زمان مضارع اخباری در صورت های مثبت و منفی صرف نمائید.

رسیدن، برگشتن، دادن، آمدن، پیاده شدن، منتظر بودن، بودن، رفتن، خریدن، پختن، دوست داشتن.

| | | | |
|-------|------|-------|----|
| _____ | ما | _____ | من |
| _____ | شما | _____ | تو |
| _____ | آنها | _____ | او |

2-mashq.

Savollarning javobini yozing.

پاسخ پرسشها را بنویسید.

۱. شما کجا درس می خوانید؟
۲. چه زبانی یاد می گیرید؟
۳. هفته ای چند بار تحصیل می کنید؟
۴. روزهای تعطیلات چه می کنید؟
۵. کی را بیشتر از همه دوست دارید؟
۶. اوقات فراغت به چه کار مشغول هستید؟

3-mashq.

Maqollarni yod oling va ularni o'zbek tiliga tarjima qiling.

ضرب المثل ها را حفظ کنید و آنها را به زبان ازبکی ترجمه کنید.

۱. کوه به کوه نمی رسد آدم به آدم می رسد.

۲. آدم دست پاچه کار را دو بار می کند.
۳. دیوار موش دارد، موش گوش دارد.
۴. به در می گوید که دیوار بشنود.

4-mashq.

Qavs ichidagi fe'llarni fe'lning hozirgi-kelasi zamon shakliga qo'ying.

- فعلهای داخل پرانتز را در زمان حال به کار ببرید.
۱. بهار را فصل بیدار شدن طبیعت (نامیدن).
 ۲. در روزهای آخر بهار هوا گرم (شدن).
 ۳. در تابستان زحمتکشان جمهوری ما روزهای استراحت خود را در جاهای با صفا (گذرانیدن).
 ۴. در فصل پاییز هوا سرد (شدن) و باد خنک (ورزیدن).
 ۵. روز اول سپتامبر که برابر با دهم شهریور ماه است درسها در دبیرستانها، دانشکده ها و دانشگاهها (شروع شدن).
 ۶. من و خواهرم در دانشگاه (تحصیل کردن).
 ۷. ما در دانشگاه زبانهای خارجی از آن جمله زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی را (آموختن).
 ۹. بنا خانه (ساختن). خیاط لباس (دوختن). پزشک معالجه (کردن). معلم درس

(دادن). نویسندگان **داستان** و رمان
(نوشتن).

5-mashq.

Nuqtalar o'rniga mos keladigan fe'llarni hozirgi-kelasi zamon shakliga qo'yib yozing.

در جای نقطه ها فعل مناسب را در
زمان حال بنویسید.

کار کردن-حاضر کردن- خوردن- انجام
دادن- خواندن- آمدن- پرسیدن- حرف زدن-
آوردن- نوشتن.

۱. دانشجویان در سالن مطالعه

درسهایشان را

۲. مادرم پزشک است و در بیمارستان

.....

۳. پدرم ساعت شش ونیم به

خانه.....غذا.....و بعد

روزنامه های تازه را..... ولی من

درسهای فردا را

۴. سر درس زبان فارسی ما به زبان

فارسی

۵. **آموزگار** زبان فارسی شعر را اول از

من

۶. ما هر روز سر درس زبان فارسی پنج

دقیقه دیکته

۷. شما امروز کتاب مرا

6-mashq.

Quyidagi parchalarni o'qing , o'zbek tiliga tarjima qiling va hozirgi- kelasi zamon fe'lini aniqlang.

متن های زیر را بخوانید، بزبان ازبکی ترجمه کنید و فعل مضارع اخبار را بیابید.

اوژن، شوخی نکن. من می دانم که تو نقاشی اما نمی دانستم که شاعر هم هستی.

صادق هدایت "آتش پرست"

نفسم پس می رود، از چشم هایم اشک می ریزد، دهانم بد مزه است، سرم گیج می رود، قلبم گرفته ، تنم خسته، کوفته، شل، بدون اراده در رختخواب افتاده ام.

صادق هدایت "زنده به گور"

چشم، هومن جان دیگر هاله را مجبور به ازدواج نمی کنم. هر چی خدا بخواهد همان می شود.

مودب پور "پریچهر"

انشاء بنویسید.
موضوع:
دانشگاه ما

Vaqtning ifodalanishi

ساعت و وقت

1-mashq.

Quyidagi berilgan soatlarni namunadagi kabi yozing.

وقت های ساعت را مثل نمونه بنویسید.

نمونه: ساعت نه و ده دقیقه - ۰۹.۱۰

۱۳.۴۵ -

۱۱.۲۵ -

۱۱.۲۶ -

۱۲.۱۵ -

۰۹.۳۰ -

۰۹.۳۱ -

2-mashq.

Savollarning javobini yozing.

جواب پرسشهارا بنویسید.

۱. شما ساعت چند از خواب بیدار می شوید؟

۲. درس شما ساعت چند شروع می شود؟

۳. کتابخانه علی شیر نوائی تا ساعت

چند کار می کند؟

۴. درس شما ساعت چند تمام می شود؟

۵. ساعت چند می خوابید؟

3-mashq.

Savolga javob bering.

به پرسش جواب بدهید.

۱. ساعت چند است؟ (۰۷.۱۵)
۲. (۱۱.۲۰)
۳. (۱۴.۳۰)
۴. (۰۸.۵۰)
۵. (۱۷.۴۵)
۶. (۲۱.۳۵)
۷. (۰۰.۳۰)
۸. ساعت چند است؟ (۰۰.۵۵)

4-mashq.

Dialogni o'qing va o'zbek tiliga tarjima qiling.

گفتگو را بخوانید و بزبان ازبکی ترجمه کنید.

- حالا ساعت چند است؟
- حالا ساعت هفت و نیم است.
- شما روزی چند ساعت درس می خوانید؟
- ما روزی شش ساعت درس می خوانیم.
- درسهای شما ساعت چند به پایان می رسد؟
- درسهای ما ساعت یک ربع به دو به پایان می رسد.
- شما هر روز چند دقیقه ورزش می کنید؟
- ما هر روز ده - پانزده دقیقه ورزش می کنیم.

- خواهرتان روزی چند ساعت مشغول حاضر کردن درسها می شود؟
 - خواهرم روزی پنج - شش ساعت مشغول حاضر کردن درسهایش می شود.
 - شما ساعت چند با پسر عمویتان به موزه می روید؟
 - ما درست ساعت یازده به موزه می رویم.
 - پسر عمویتان در کدام دانشگاه درس می خواند؟
 - او در دانشگاه زیست شناسی تحصیل می کند.

5-mashq.

So‘zlarning sinonimini toping.

مترادف کلمات را بیابید.

| | |
|-------------|---------------|
| دانا-.....- | دکتر-.....- |
| | |
| سایر- | مریض- |
| | |
| شادی-.....- | خواستن- پوزش |
| | |
| آسوده- | گرفتن- یاد |
| | |
| وارد شدن- | برجسته-.....- |
| | |

Old ko'makchilar

حروف اضافه

سوال: در زبان فارسی چند نوع حروف اضافه را بلد هستید؟

1-mashq.

Nuqtalar o'rniga tegishli old ko'makchilarni qo'yib gaplarni tugallang.

جاهای خالی را با حروف اضافه لازم پر کنید.

..... دوستم نامه گرفتم. چند بار
..... او گفته بودم.
دیدار شما خوشحالم. او کار خود
خبره است. من ساعت دوازده کار
می کنم. آنتن بام خانه واقع است.
..... بازار پیاده رفتیم. او همیشه
پنجره خود را گل آرایش می
دهد. کمک والدین به این
نتیجه رسیدم. پول ماندم.
..... دفتر چیزی دیگری ندارم.

2-mashq.

Nuqtalar o'rniga tegishli old ko'makchilarni qo'yib gaplarni tugallang.

جاهای خالی را با حروف اضافه لازم پر کنید.

۱. مسافرین محترم، ورود شما را
خاک ایران خوش آمد می گوئیم.

۲. امیدوارم پرواز لذت برده
باشید لطفاً جای خود نشسته
کمر بند را ببندید.

۳. در همین موقع هواپیما زمین
نشست و از بر خورد چرخها زمین
هواپیما تکان سختی خورد.

۴. فرخنده، خانم زنی زحمت کش و مهربان
و ساده بود که خانه ما کار می
کرد.

۵. باغ پر بود گل و گیاه.

۶. چمدانها را کناری گذاشتم و
دوباره مادرم را آغوش گرفتم.

۷. پدرم حرکات هومن خنده اش
گرفته بود.

۸. مادرم ... خنده، فرخنده خانم را
..... طرف آشپزخانه برد و مشغول حرف
زدن او شد.

3-mashq.

Nuqtalar o‘rniga tegishli old ko‘makchilarni qo‘yib gaplarni
tugallang.

جاهای خالی را با حروف اضافه لازم پر
کنید.

۱. من در جلسه دوستم نشستم.

۲. چوپانی پول خود را درختی
پنهان کرد.

۳. ما جای خود نشستیم.

۴. مرغی درخت نشسته بود.

۵. ما دانشگاه استخر داریم.

۶. کشور ایران انقلاب اسلامی خیلی پیشرفت کرده است.
۷. هندیها فیل را حمل و نقل بارهای سنگین و سایر خدمات تربیت می کنند.
۸. مادر، ناراحت نباش، رفتن به تو خبر می دهم.

4-mashq.

Hikoyani o‘qing va old ko‘makchilarini aniqlang.

حکایت را بخوانید و حروف اضافه را بیابید.

روزی پسری سر چاه آب آمد، به درون آن نگاه کرد. وقتیکه عکس خود را در ته چاه دید گمان کرد که آدم بیگانه ای در آنجاست. پیش مادرش آمد و گفت: دزدی در چاه است.

وقتی مادر با پسرش سر چاه آمدند و به درون نگاه کردند مادر گفت: پسر جان راست گفته ای، نزد او زنی هم هست.

5-mashq.

Fe'llarning sinonimini toping.

مترادف فعلها را بیابید.

| | |
|-------------|---------------|
| یاد گرفتن - | تشریف آوردن - |
| صحبت کردن - | آغاز کردن - |
| درست کردن - | یاد دادن - |

6-mashq.

Quyidagi so'z yasash o'yinini o'qing va siz ham shunga o'xshash o'yin o'ynang.

بازی واژه سازی را بخوانید و شما هم بدین ترتیب واژه سازی بازی کنید.

کتابفروشی

ک-ت - ا-ب-ف-ر-و-ش-ی

کتاب-تب-رو-بابا-فروش-فرش-

تا-شور-روکش-اوت-بار-کتری-آفتاب-آب-کیف

دانش آموز

د-ا-ن-ش-ا-م-و-ز

دانش-دان-آموز-دوش-شاد-موش-

دام-شام-آن-نان-نام-نشان-آشنا-زن

انشاء بنویسید.

موضوع:

عید نوروز

Fe'ning buyruq mayli

وجه امر

| | |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p><u>ko'plik</u> به old qo'shim.+ HZN+ +sh.-s.qo'shimchasi جمع پیشین به +بن مضارع +شناسه صرفی</p> | <p><u>birlik</u> به old qo'shim.+ HZN مفرد پیشین به + بن مضارع</p> |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|

- Buyruq maylida urg'u qayerga tushadi?
- Klassik adabiyotlarda ba'zan buyruq ma'nosini ifodalash uchun qanday old qo'shimchasini ishlatish hollari bo'lgan?
- Fors tilidagi buyruq mayli va o'zbek tilidagi buyruq-istak maylining o'zaro farqini tushuntiring.

1-mashq.

Ushbu fe'llardan buyruq maylining bo'lishli va bo'lishsiz shakllarini yasang.

از افعال شکل های تصدیق و انکار
 وجه امر را بسازید.

| | |
|---------------|------------|
| - کمک کردن - | بخشیدن - |
| - تمام کردن - | - ترسیدن - |
| - برگشتن - | - پرسیدن - |

2-mashq.

Qavs ichidagi fe'llarni buyruq mayli va munosib zamon shakllariga qo'ying.

مصدرهای داخل پرانتز را در زمان های مناسب و وجه امر به کار ببرید.

بعد از زنگ **استاد** به کلاس (وارد شدن). دانشجویان (بر خاستن) و با **استاد** (سلام کردن). **استاد** به دانشجویان (گفتن): (نشستن). **استاد** پروین را (صدا کردن).

پروین جلوی تخته (آمدن). **استاد** (گفتن): - پروین، شعر را (خواندن). پروین شعر را از بر (خواندن). **استاد** (گفتن): آفرین، پروین (نشستن). پروین سر جای خود (نشستن). **استاد** بعد علی را جلوی تخته (صدا کردن) و (گفتن): - علی، تو نیز شعر را (خواندن). علی شعر را (خواندن) و (ترجمه کردن). **استاد** به علی (گفتن): بسیار خوب، علی (نشستن). علی هم (رفتن) و سر جای خود (نشستن). بعد **استاد** درس تازه را (شروع کردن).

3-mashq.

Quyidagi **gaplarni fors tiliga** tarjima qiling.

جملات مذکور را به زبان فارسی ترجمه کنید.

1. O'z kitob va daftarlaringizni sumkangizdan oling va stolning ustiga qo'ying. 2. Zafar, ertaga soat sakkizda mening oldimga kel, senda ishim bor. 3. Dam olish kunlari ko'proq kitob o'qing. 4. Tezda uyga qayt. 5. Bugun havo sovuq, issiq

kiyim kiy. 6. Iltimos, baland ovozda gapirmang. 7. Bu yerda sigaret chekmang. 8. Iltimos, eshikni yop. 9. Bu kitobni o'qi va menga qaytarib ber. 10. Meni eshit. 11. Mashinaning kalitini menga ber. 12. Iltimos, mening aytganlarimni unga yetkazing. 13. O'ringdan tur va bu ishni oxirigacha yetkaz. 14. Ertaga meni soat oltida uyg'oting. 15. Kel bu yerga o'tir, biroz dam ol. 16. **Zinadan** pastga tush. 17. Yillar o'tgandan keyin ham meni eslagin.

4-mashq.

Quyidagi parchalarni o'qing, o'zbek tiliga tarjima qiling va buyruq maylini aniqlang.

متن های زیر را بخوانید، بزبان ازبکی ترجمه کنید و وجه امر را بیابید.

برادرم در پایان نوشته بود: " هر لطفی که به من داری به آقای "م" بکن". مرغابی ها چوبی آوردند و به او گفتند: ما دو سر این چوب را با منقار خود می گیریم، و تو هم وسط آن را با دهانت بگیر.

- بلند شو، امتحان دانشگاه دیر شد!
یک دفعه مثل فنر از جا پریدم، هنوز در عالم دانشگاه و امتحان و خارج از کشور بودم.

- خیالت راحت، فعلاً پا شو بریم پایین، **صبحانه** بخور کارت دارم.
- دیدی هومن، پدرت به فکر توست؟ دیدی دوستت دارد؟! تو هم گذشته هارا فراموش کن.

قو طی سیگار رو برای تو به یادگاری گذاشته ام. با عکسها هر چه خواستی

بکن. و اما قالیچه! اونیو بفروش و با پولش، هر چقدر که شد، به جایی کمک کن که صرف تعلیم و تربیت کودکانی بشه که بضاعت دانش آموزی ندارند.

انشاء بنویسید.

موضوع:

موزه امیر تیمور

Fors tilida numerativlar

واژه های شمارش

1-mashq.

Fors tilida qanday numerativlarni bilasiz? Ularni sanab o‘ting va har biriga misol keltiring.

در زبان فارسی کدام واژه های شمارش را بلد هستید؟ آنها را بشمارید و برای هر یکش مثال بیاورید.

2-mashq.

A. Matnni o‘qing va tarjima qiling.

متن را بخوانید و ترجمه کنید.

چند روز پیش، آخرین روز سال تحصیلی در دبیرستان بود. در دبیرستان ما امسال سی و چهار نفر دانش آموز تحصیلات متوسطه خودشان را به پایان رساندند. خواهر کوچکم نیز امسال دبیرستان را تمام کرده است. در دبیرستان ما زبانهای فارسی و انگلیسی را تدریس می کنند. من

و خواهر کوچکم آموختن زبان فارسی را در دبیرستان شروع کرده ایم.

من که پارسال همین دبیرستان را تمام کرده بودم، به دانشکده خاورشناسی داخل شدم. سه چهار روز است که امتحانات آغاز شده است. اولین امتحان ما از زبان فارسی بود. من از درس زبان فارسی نمره عالی گرفتم. در گروه ما هفت نفر پسر و دو نفر دختر است. همه دانشجویان گروه ما خوبند.

روز آخر ماه اوت من به مغازه رفتم و برای خواهرم یک دسته گل سرخ، یک کفش سفید، یک دانه خودنویس، یک کیف سفید خریدم و به او هدیه دادم. خواهرم از من تشکر کرده گفت: برادر مهربانم خیلی ممنوم. من هم در جواب گفتم:
- خواهر جانم، چیزی نیست.

B. Matnda uchragan numerativlarni aniqlang.

در متن واژه های شمارش را بیابید.

3-mashq.

Nuqtalar o‘rniga kerakli numerativ so‘zlarni qo‘yib yozing.

جاهای خالی را با شماره گذاری لازم پر کنید.

۱. یک..... گل قشنگی را به استاد تقدیم کردند.

۲. من به رفیقم به مناسبت روز تولدش دو..... کتاب و یک دستکش هدیه دادم.

۳. پدر بزرگم در ده پانزده.....
گوسفند و دو گاو دارد.
۴. از دور چهار..... کشتی دیده اند.
۵. در میدان فرودگاه شش
هواپیما بود.
۶. مادرم از بازار سه کشنیز دو
..... جعفری و چهار نعناع
خرید.
۷. عمویم سه خانه دارد و یکی
از آنها را کرایه داده است.
۸. آنها یک قالی ایرانی و دو
..... گلیم دارند.
۹. اکبر برای دختر کوچکش هفت مداد
رنگی خریده بود.
۱۰. مادرم سه غذا حاضر کرده
بود.

4-mashq.

Quyidagi so‘zlarning sinonimini toping.

مترادف واژگان را بیابید.

| | | |
|-------|----------|--------------|
| – | سایر | دکتر– |
| | | |
| – | بلد بودن | طبابت |
| | | |
| – | معمولاً– | معذرت خواستن |
| | | |
| | | یاد گرفتن– |
| | | |
| | | |

| | | | |
|-------|---|-------|--------|
| معروف | - | پند | دادن - |
| | | | |
| | | | |
| دانا | - | فکر | کردن - |
| | | | |
| | | | |
| | - | حادثه | - |
| | | | |
| | | | |

5-mashq.

Topishmoqlarning javobini toping.

جواب چیستانها را بیابید.

دو خواهرند در بدن

مثل سروی در چمن.

پهلوی هم دو برادرند

اما یکدیگر را نمی بینند.

هر یک پنج پسر دارد

نه پا دارند نه دهن.

6-mashq.

Quyidagi matnni fors tilidan o'zbek tiliga tarjima qiling.

متن مذکور را از زبان فارسی به زبان

ازبکی ترجمه کنید.

اعضای بدن انسان

بدن انسان عبارت از اعضای زیر است:

سر، پیشانی، ابرو، چشم، بینی، لب،

دهان، زبان، دندان، چانه، گوش، گردن،

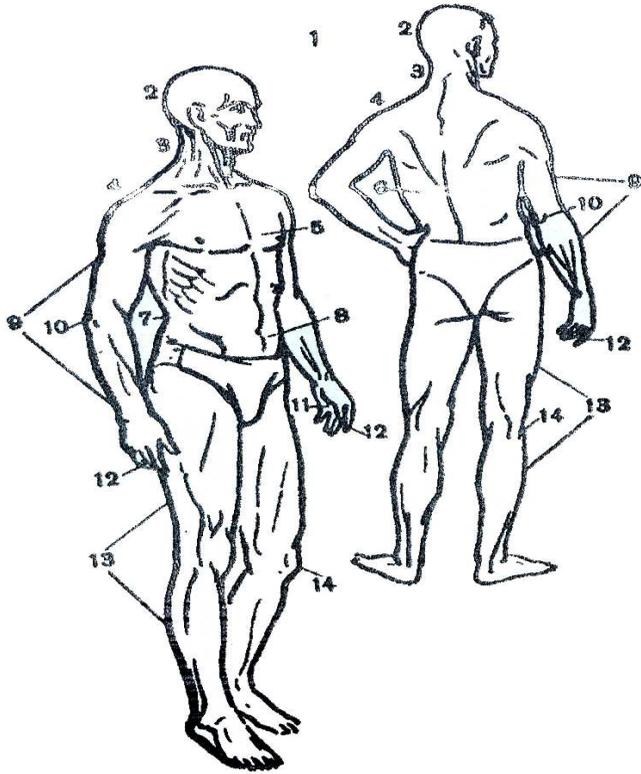
گلو، سینه، پشت، دست، بازو، آرنج، مچ دست، کف دست، انگشت، پا، مچ پا.....
بعضی از اعضای بدن انسان جفت هستند.
مثلاً: چشم، گوش، لب، گونه، ابرو، دست، پا.

چشم و گوش و گونه، دست و پای انسان در دو طرف او، یعنی یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ قرار گرفته است. ولی لب یکی بالا و دیگری پایین قرار گرفته است و به آنها لب بالا و لب پایین می گویند.

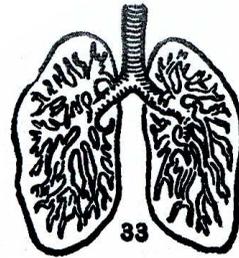
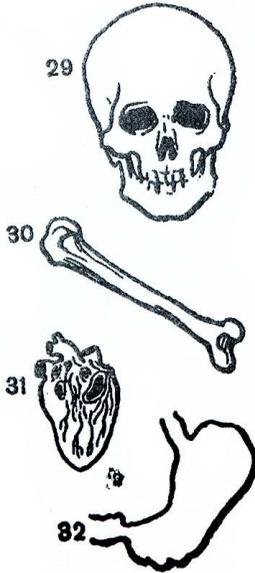
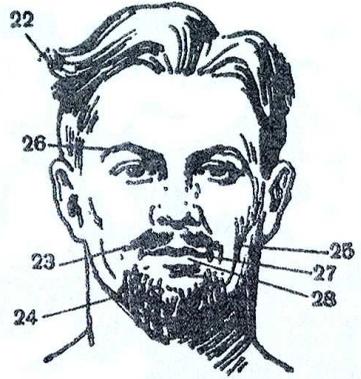
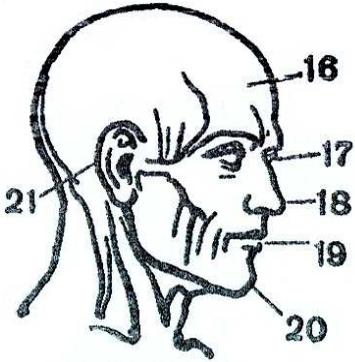
7-mashq.

Rasmda ko‘rsatilgan inson tana a‘zolarining forscha nomini yozing.

نام فارسی اعضای بدن انسان را بنویسید.



16



8-mashq.

Inson tana a'zolarining nomi asosiy komponent bo'lib kelgan forscha iboralarni yozing va ular ishtirokida gaplar tuzing.

اصطلاحات ترکیب اساسی اعضای بدن
انسان را بنویسید و با آنها جمله بسازید.

Fe'ning hozirgi-kelasi zamon shart-istak mayli مضارع التزامی

old qo'shim. + HZN + sh-s. qo'shimchasi
پیشینین به + بن مضارع + شناسه
صرفی

- Fe'ning shart-istak mayli necha xil zamonda bo'ladi?
- التزامی مضارع qanday yasaladi?
- Bu shakldagi fe'llarda urg'u qayerga tushadi?
- التزامی مضارع asosan qanday gaplarda ishlatiladi?

2-mashq.

Qavs ichidagi fe'llarni hozirgi zamon shart-istak mayliga qo'yning.

فعلهای داخل پرانتز را در زمان التزامی بنویسید.

من می خواهم دوستم را (دیدن). آنها
نی توانند بزبان روسی (حرف زدن). لایلا
فردا باید پیش من (آمدن). دوستم نمی
خواهد امروز به ورزشگاه (رفتن). او می
خواهد مارا به خانه خود (دعوت کردن).
اگر (خواستن) سر درس دیرنکنی (بایستن)

ساعت هفت صبح (از خواب بیدار شدن). تو (خواستن) کجا (رفتن) او باید این کار را امروز (تمام کردن). من نتوانستم دیروز به شما (تلفن زدن). من می خواستم (آمدن) ولی (نتوانستن). اگر شما (خواستن) به ایران (رفتن) باید زبان فارسی را خوب (یاد گرفتن). او نمی تواند این متن را بدون فرهنگ (ترجمه کردن) شما می توانید کیف تازه خود را بمن (نشان دادن). اگر او را ببینید در خواست مرا به اطلاع او (رساندن) هر قدر هم مشکل باشد من باید به تحصیل خود (ادامه دادن).

3-mashq.

A. Quyidagi gaplarni o'zbek tiliga tarjima qiling.

جملات زیر را از زبان فارسی به زبان ازبکی ترجمه کنید.

۱. وقتی که ما می توانیم مثل دو تا انسان کامل با هم حرف بزنیم، چه اشکالی دارد که یکبار آزمایش کنیم شاید کدورت ها از بین برود؟
۲. من می دونم که نمی توانم جای مادرت را بگیرم، ولی می شود که حد اقل از هم متنفر نباشیم.
۳. اگر اجازه بدهید بنده مرخص بشوم.
۴. دلم می خواهد مثل یک قاضی عادل به حرفهای من گوش بدهید و قضاوت کنید.

۵. حالا اگر اجازه بدهید یک چای بخوریم تا کمی اعصابان آرام شود.
۶. دیگر نتوانستم صبر کنم. این بود که به خانه مادرم رفتم. آنجا مجبور شدم که مادرم را به دکتر ببرم.
۷. فرهاد، خواهش می کنم مواظب برادرم باش.
۸. راستش را بخواهی، خودم هم نمی دونم چکار باید بکنم.

B. Fe'lning hozirgi-kelasi zamon shart-istak maylini toping.
در جملات فعل مضارع التزامی را بیابید.

4-mashq.

Quyidagi gaplarni o'zbek tilidan fors tiliga tarjima qiling.

جملات زیر را از زبان ازبکی به زبان فارسی ترجمه کنید.

1. Biz ertaga tarix o'qituvchimiz bilan Tarix muzeyiga bormoqchimiz.
2. Agar siz ham xohlasangiz biz bilan borishingiz mumkin.
3. Yolg'onchi kishiga ishonmasligingiz kerak.
4. Sizning otangiz bu masala hagida yetarli ma'lumotga ega bo'lishlarini juda xohlagan edim.
5. U ertaga institutga kelmasligi mumkin, chunki bugun kasal edi.
6. Sizga choy quyaymi?
7. Menimcha, senda lug'at kitobi bo'lishi kerak.
8. Agar sening opangga bu kitob kerak bo'lsa, menga ayt, topib beraman.
9. Umid qilamanki, Ahmad bu jumalarni to'g'ri tarjima qilsa kerak.
10. Nega stadionga borishni istamaysiz? Chunki vaqtim yoq.

5-mashq.

So'zlarning qarama-qarshi ma'nosini (antonimini) toping.

متضاد کلمات را بیابید.

| | |
|---------------|----------------|
| پاک- | جوان- |
| خوشحال- | تازه- |
| تنبل- | چاق- |
| بلند- | قشنگ- |
| گران- | ثروتمند- |
| آسان- | گرم- |
| ترسو- | شیرین- |

6-mashq.

Har bir satrda berilgan soʻzlardan bir jumla tuzing.

با کلماتی که در هر یک از سطور داده شده است یک جمله بسازید.

۱. زبان، می خواهم، را، یاد بگیرم، فارسی، من.

۲. می تواند، حرف زدن، به، انگلیسی، او، زبان.

۳. فردا، به، باید، ما، موزه، رفتن.

۴. می خواهید، اگر، با، صحبت کردن، آنها، شما، بفرمایید.

۵. شب، آنها، برگشتن، باید، فردا.

۶. زیر زمین، امروز، تو، باید، تمیز کردن.

۷. فردا، خواستن، تو، را، دیدن.

۸. یک، شاید، ساعت، تو، منتظر شدن..

۹. اجازه، با، شما، رفتن، من.

۱۰. نمی دانستن، دختر، مشکل، این، باید، حل کردن، چه جوری.

7- mashq.

Qavs ichidagi fe'llarni hozirgi zamon shart-istak mayliga qo'ying.

فعلهای داخل پرانتز را در زمان مضارع التزامی بنویسید.

۱. من امروز وقت دارم (توانستن) تو را به باغ وحش (بردن).

۲. ممکن است پدر بزرگم امشب از سفر (برگشتن).

۳. ما باید هفته ای شش روز و روزی شش ساعت (کار کردن).

۴. ما همه (خواستن) زبان فارسی و زبان انگلیسی را خوب (یاد گرفتن).

۵. امیدوارم که مهتاب خانم را در آن مهمانخانه (دیدن).

۶. من دلم خیلی (خواستن) در باره این مسأله با او خودم (صحبت کردن).

۷. پنج دقیقه دیگر منتظر بشویم شاید (آمدن).

۸. شما مجبور نبودید آن کار را بر عهده (گرفتن).

۱۰. مگر آنها (توانستن) آن شعر را (خواندن) و مضمون آن را (ترجمه کردن)؟

8-mashq.

Quyidagi parchalarni o'qing, o'zbek tiliga tarjima qiling va hozirgi zamon shart-istak maylini aniqlang.

متن های زیر را بخوانید، بزبان ازبکی ترجمه کنید و فعل مضارع التزامی را بیابید.

در زندگی انسان گاهی دیگران سر نوشت را تعیین می کنند. زمانی که به گذشته باز می گردیم به لحظاتی برخورد می کنیم که با یک اتفاق ساده، دیگران توانسته اند زندگیمان را دگرگون کنند.

مودب پور "پریچهر"

ساعت ۲۰/۳۰ دقیقه به وقت تهران است. هوا، هفده درجه بالای صفر و بارانی ست. امیدوارم از پرواز لذت برده باشید لطفاً در جای خود نشسته و کمربند را ببندید.

مودب پور "پریچهر"

پدرم کنارم ایستاده بود. صبور و محکم. اجازه می داد که از عشق عیان مادرم لبریز بشوم. به طرفش برگشتم. پدرم خوددار بود. اول دستش را به طرفم دراز کرد تا مثل دو تا مرد با هم دست بدهیم. می خواست به من بفهماند که در نظرش مرد شدم.

مودب پور "پریچهر"

انشاء بنویسید.
موضوع:
آرزوهای آینده من

Harakat yoki holat nomini bildiruvchi otlar

اسم حالت یا حرکت

1-mashq.

A. Harakat yoki holat nomini bildiruvchi otlar yasang.
از فعل اسم بسازید.

misol: دانستن ← دان ← دانش
آراستن، آموختن، آزمودن، ورزیدن، گشتن،
آموختن، فرمودن، نمودن، **پرسیدن** کوشیدن.

B. Ular ishtirokida bir nechta gaplar tuzing.

با استفاده از آنها چند تا جمله
بسازید.

2-mashq.

Maqollarni yod oling va harakat nomini bildiruvchi otlarni
qaysi fe'ldan yasalganini aniqlang.

ضرب المثل را حفظ کنید و اسماها از کدام
فعلها ساخته شده است توضیح دهید.

۱. توانا بود هر که دانا بود
ز دانش دل پیر برنا بود.
۲. حساب به دینار بخشش به خروار.
۳. هر که کوشش می کند به مقصد خود می
رسد.
۴. هنر از دانش و دانش از خوانش.
۵. دانش کلید گنجهاست.

O'tgan zamon davom fe'li

ماضی استمراری

old qo'shim. + O'ZN + sh-s. qo'shimchasi
پیشین می + بن ماضی + شناسه
صرفی

- O'tgan zamon davom fe'liga ta'rif bering.
- O'tgan zamon davom fe'lida urg'u qayerga tushadi?
- O'tgan zamon davom fe'lining bo'lishsiz shakli qanday yasaladi?

1-mashq.

Quyidagi fe'llarni o'tgan zamon davom fe'li shaklida tuslang.

فعلهای زیر را در زمان ماضی
 استمراری صرف نمایید.
 گفتم-شستن-کمک دادن-حاضر کردن- بر
 گشتن- خوردن

2-mashq.

Gaplarni o'qing, tarjima qiling va o'tgan zamon davom fe'lini aniqlang.

جملات را بخوانید, ترجمه کنید و فعل
 ماضی استمراری را بیابید.

۱. پدر بزرگم حکایت کرد که او در
 جوانی زیر دست یکی از ثروتمندان خدمت
 می کرد.
۲. دیروز وقتی که احمد پیش من آمد من
 درسهایم را حاضر می کردم.
۳. برادرم هر روز صبح زود از خواب
 بیدار می شد و ورزش می کرد.

۴. وقتی که مادرم به خانه برگشت من تلویزیون تماشا می‌کردم.
۵. وقتی که من وارد کلاس شدم دانشجویان صحبت می‌کردند و مرا ندیدند.
۶. هر روز او پیاده به دانشگاه می‌آمد ولی امروز سوار اتوبوس شد.
۷. وقتی که من در دبیرستان تحصیل می‌کردم، خواهرم به مهد کودک می‌رفت.

3-mashq.

Qavs ichidagi fe'llarni tegishli zamonlarga qo'yning.

فعلهای داخل پرانتز را در زمانهای لازم صرف نمایید.

۱. خورشید می‌درخشید و یخ‌ها را (آب کردن).
۲. من هر روز سه بار (شنا کردن) .
۳. او به مسافرت (رفتن) .
۴. هر روز سرد (داشتن) .
۵. پدرم سالها سیگار (کشیدن) و آخر ترک کرد.
۶. تمرینهای دستورا را (نوشتن) که صدای در زدن را شنیدم.
۷. دیروز به تماشای فوتبال (رفتن) .
۸. دیروز رفقا خانه ما بودند اگر تو هم می‌آمدی (خوشحال شدن) .
۹. زنها قالی (بافتن) و کم کم پول (جمع کردن) .

۱۰. بلند شدم و مقداری پول، یواشکی
زیر چادرش (گذاشتن) و زیر لب خدا حافظی
کردم.

۱۱. سوار ماشین، آرام به طرف خانه
(حرکت کردن).

۱۲. در راه به سرنوشت پریچهر خانم
(فکر کردن).

۱۳. ما هم با آنها به کتابخانه (رفتن)
و درسهای خود را در آنجا (حاضر کردن).

۱۴. این صدای مادرشان بود که وارد
آشپزخانه (شدن).

4-mashq.

Quyidagi parchani o'zingiz davom ettiring.

متن زیر را خودتان ادامه دهید.

یکی بود یکی نبود. غیر از خدا هیچکس
نبود. روزی بود و روزگاری. پسری بود
که همیشه دعا می کرد که خدا

5-mashq.

Quyidagi parchalarni o'qing , o'zbek tiliga tarjima qiling va o'tgan zamon davom fe'lini aniqlang.

قطعات مذکور را بخوانید، بزبان ازبکی ترجمه کنید و فعل ماضی استمراری را بیابید.

آجی خانم از بچگی ایرادی، جنگره و با مردم نمی ساخت حتی با مادرش دو ماه سه ماه قهر می کرد.

صادق هدایت "آجی خانم"

وقتی ماه محرم و صفر می آمد هنگام جولان و خود نمایی آجی خانم می رسید.

صادق هدایت "آجی خانم"

فرخنده خانم، زنی زحمتکش و مهربان و ساده بود که در خانه ما کار می کرد. سیزده چهارده سال پیش، یک روز با تنها دخترش که خیلی کوچک بود، همراه پدرم به خانه ما آمد و ماندگار شد.

دیگر جزیی از خانواده ما به حساب می آمد. از اول هم بهش به چشم یک خدمتکار نگاه نمی کردیم.

مودب پور "پریچهر"

اگر بدونی هر شب در خانه ما چه خبر می شد. به محض اینکه پدرم از کارخانه بر می گشت، جنجال شروع می شد. طوری شده بود که وقتی آفتاب غروب می کرد، غم عالم می ریخت تو دلم. از شب نفرت داشتم.

مودب پور "پریچهر"

انشاء بنویسید.
موضوع:
شهر های قدیم
ازبکستان

O'tgan zamon sifatdoshi

صفت مفعولی

- Sifatdosh nimani bildiradi?
- O'tgan zamon sifatdoshi qanday yasaladi?
- O'tgan zamon sifatdoshi qanday vazifalarda qo'llaniladi?

1-mashq.

Ushbu fe'llardan o'tgan zamon sifatdoshi yasang.

از فعل های مذکور صفت مفعولی
بسازید.

نشستن-خواندن-نوشتن-آمدن-رفتن-شستن-گفتن-
مردن-گذشتن-بریدن-خریدن.

2-mashq.

A. Quyidagi birikma va gaplarni fors tiliga tarjima qiling.

عبارات و جملات زیر را به زبان فارسی ترجمه کنید.

O‘qilgan hikoya, o‘tgan oy, qo‘rqqan odam, yuborilgan maktub, yiqilgan bola, ichilgan suv, pishirilgan taom, berilgan javob, talaba bo‘lgan qiz, yuvilgan ko‘ylak, o‘tilgan dars, ishlagan dehqon, singan qalam, pishgan mevalar.

B. Har bir birikmaga gap tuzing.

به هر عبارت جمله بسازید.

3-mashq.

Quyidagi jummalarni fors tiliga tarjima qiling.

جملات مذکور را به زبان فارسی ترجمه کنید.

Kelgan bola mening ukam. O‘qigan kitoblarimni o‘rtog‘imga berdim. Uning aytganlari to‘g‘ri. Javob bergan talaba o‘z joyiga o‘tirdi. Yangi sotib olgan sumkasini dugonasiga hadya etdi. Olingan xatga javob yozdim. Abdulla Qodiriy “O‘tgan kunlar” romanini yozgan. Singan piyoladan suv ichma. Yangi sotib olingan kitob juda qiziqarli ekan.

4-mashq.

Quyidagi maqollarni daftaringizga yozing, ularni yodlang va o‘tgan zamon sifatdoshlarining ma’nosini aniqlang.

ضرب المثل های زیر را در دفتر خود بنویسید، حفظ کنید و معنی صفات مفعولی را بیابید.

کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد.
سخن گفته و تیر انداخته باز نگردد.

اول اندیشه آنگهی گفتار.
تاجر ترسیده و لرزیده جان، در جهان نه
سود بیند و نه زیان.

O'tgan zamon shart-istak mayli ماضی التزامی

o'tgan zamon sifatdoshi + HZN+sh.-

s.qo'shimchasi

**صفت مفعولی + ریشه مضارع ساده فعل
"بودن" + شناسه صرفی**

- qanday holatlarda ishlatiladi?
- O'tgan zamon shart-istak mayli hozirgi zamon shart-istak maylidan qaysi jihatlari bilan farq qiladi?
- Aorist va o'tgan zamon shart-istak maylining ishlatilishini misollar bilan tushuntiring.

1-mashq.

Quyidagi fe'llarni mazi shaklida tuslang va ularning har biriga gap tuzing.

فعل های مذکور را در ماضی التزامی صرف
نمایید و از هر کدام آنها جمله بسازید.

- | | |
|------------|-------------|
| خواندن - | گفتن - |
| برگشتن - | نیامدن - |
| خبر دادن - | پیدا کردن - |

2-mashq.

Quyidagi gaplarda qavs ichida berilgan fe'llarni o'tgan zamon shart-istak mayli shaklida qo'yib, ularni ko'chirib yozing.

در جمله های مذکور فعل های داخل پرانتز را در زمان ماضی التزامی به کار ببرید و آنها را رونویسی کنید.

۱. هوا سرد است. احتمال می رود که بالای کوه برف (باریدن).
۲. شاید او نامه مرا (نگرفتن).
۳. یادم نیست، ممکن است کتاب را به کسی (دادن).
۴. ممکن نیست که او سر درس (نیامدن).
۵. از حسن خبری نیست، شاید او به منزلش (نرسیدن).
۶. کسی نیست که این اثر را (خواندن).
۶. از رفتن او درست نیم ساعت گذشته باید (رسیدن).
۷. خواهش می کنم اگر پول (داشتن) برای من این لباس شب نیشینی را بخرید.
۸. احتمال دارد که لیلا به خانه عمه اش (رفتن).
۹. اگر کسی به او اطلاع (ندادن)، نباید منتظرش باشیم.
۱۰. ای کاش نسیم (آمدن).
۱۱. یقین ندارم احتمالاً پرویز قرض های خود را (دادن).
۱۲. شاید تا کنون شاگردان به کلاس رفته و سر جای خود نشسته و درس را (شروع کردن).

۱۳. این را هم در (اطلاع داشتن) که فقط دو تا از معلم های ما به ایران سفر کرده اند.

3-mashq.

Gaplarni fors tiliga tarjima qiling.

جملات را بزبان فارسی ترجمه کنید.

1. U hali ishga kelmagan bo'lsa kerak.
2. Tehron-Toshkent yo'nalishi bo'yicha uchayotgan samolyot hali qo'nmagani bo'lsa kerak.
3. U kecha safardan qaytgan bo'lishi kerak.
4. Nodir mendan kitob olganiga to'rt kun bo'ldi, uni o'qib bo'lgani bo'lsa kerak.
5. Agar kasal bo'lgani bo'lsang, nega bizga xabar bermading.
6. Balki, bu filmni yoshligimda ko'rgan bo'lsam kerak.
7. U bilan qayerdadir uchrashgan bo'lsam kerak.
8. Muzqaymoqni yaxshi ko'rmaydigan bola bo'lmasa kerak.
9. Agar Salima kelgan bo'lsa, tezda menga xabar bering.
10. Ehtimol, bir vaqtlar bu g'orlarda odamlar yashagan bo'lsa kerak.
11. Balki, mening otam bilan bir necha yil ilgari mana shu maktabda birga o'qigan bo'lsangiz kerak.
12. Xuddi bir narsamni yo'qotib qo'ygandekman.

4-mashq.

A. Hikoyani o'qing va tarjima qiling.

حکایت را بخوانید و ترجمه کنید.

قاضی زیرک

جوانی به پیرمرد صد دینار خود را سپرد و به سفر رفت. چون از سفر باز گشت دینار خود را خواست پیرمرد انکار کرده گفت که تو به من چیزی نداده ای. جوان مجبور شد، پیش قاضی برود و شکایت کند.

قاضی پیرمرد را طلبید و از او پرسید که این جوان صد دینار به تو داده است؟

پیرمرد گفت: نه.

قاضی به پیرمرد گفت: سوگند بخور. پیرمرد سوگند خورد. قاضی از جوان پرسید: وقتی تو صد دینار خود را به پیرمرد دادی او کجا نشسته بود؟ و گواهی داری؟

جوان گفت: او زیر درختی نشسته بود ولی من گواهی ندارم.

چرا می گویی که گواهی نداری. همان درخت گواه تو است. برو نزد آن درخت و از قول من بگو که قاضی ترا می طلبد.

جوان گفت: ای قاضی می ترسم که به فرمان شما **اطاعت نکنم**.

قاضی مهر خود را به جوان داده گفت: مهر مرا ببر و به درخت نشان بده و بگو که این مهر قاضی است. درخت مهر مرا دیده، البته خواهد آمد و گواهی خواهد داد.

جوان مهر قاضی را گرفته نزد آن درخت رفت. ساعتی گذشت. قاضی از پیرمرد پرسید: به نظر تو، آن جوان نزد آن درخت رسیده باشد؟
پیرمرد جواب داد: نه.

جوان که نزد درخت رسید و مهر قاضی را نشان داده گفت که قاضی ترا می خواهد از درخت صدایی در نیامد. غمگین شده برگشت و به قاضی گفت.

قاضی تبسم کرده گفت: تو راست می گویی. هیچ درختی اینجا نیامده است. ولی آن وقت که من از تو پرسیدم که آن جوان نزد آن درخت رسیده باشد؟
تو جواب دادی: نه، نرسیده است.

حالا من دو باره از تو می پرسم اگر تو زیر آن درخت دینار از آن جوان نگرفته بودی، چرا نپرسیدی که آن کدام درخت است، من نمی دانم؟ پس معلوم می شود که جوان راست می گوید.

B. Matnda uchragan o'tgan zamon shart-istak mayli shaklidagi fe'llarni toping.

فعل های ماضی التزامی که در متن آمده بیابید.

5-mashq.

O'qing va tarjima qiling.

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. تو او را کجا دیدی؟ ممکن است در دانشگاه با او ملاقات کرده باشی.

۲. من نمی دانم چرا برادرم امشب نتوانست به خانه ما بیاید، شاید با کسی دیگر وعده ملاقات داشته باشد.
۳. ساعت کجاست؟ ممکن است در مطبخ روی میز گذاشته باشم.
۴. احتمال می رود دوستم چند سال پیش در تبریز با او آشنا شده باشد.
۵. مگر ممکن است که پیشنهاد شما قبول نشده باشد؟
۶. اگر وقت داشته باشید فردا به منزل ما تشریف بیاورید.
۷. اگر خواهرت نیز این کتاب را لازم داشته باشد، به من بگو پیدا می کنم.
۸. بنظرم تو باید کتاب لغت داشته باشی.
۹. احتمال نمی رود که دانشیار دیروز از جواب شما راضی شده باشد.
۱۰. چرا امروز سردار سر درس نیامده است؟ شاید سرما خورده باشد، شاید مریض شده باشد.

انشاء بنویسید
موضوع:
فصل پاییز

Son
عدد

- Sonlarning morfologik xususiyatlarini izohlang.
- Son gapning qaysi bo'laklari bo'lib keladi? Misollar bilan aytib bering.
- Sonlarning tuzilishiga ko'ra turlarini sanang.

1-mashq.

Quyidagi raqamlarni soʻz bilan yozing.

عددهای مذکور را با حروف بنویسید.

5, 6, 9, 10, 17, 23, 34, 45, 56, 67, 1941, 1948, 1976, 2009, 101, 678, 954, 2003.

2-mashq.

Baland ovozda oʻqing va oʻzbek tiliga tarjima qiling.

با صدای بلند بخوانید و بزبان ازبکی ترجمه کنید.

دیروز روز تولد خواهرم بود. خواهرم بیستم مارس سال هزار و نهصد و هفتاد و هفت متولد شده است. خواهرم شفا نام دارد. او هفده سال دارد، یعنی دیروز هفده سالش تمام شده است. او دانشجوی دانشگاه است و در دانشکده تاریخ مشغول تحصیل است.

دیروز ما خیلی مهمان داشتیم. عمویم، خاله ام، عمه ام، پسر عمو و دختر عمویم، پسر خاله و دختر خاله ام، دختر دایی ام همه در خانه ما بودند.

همکلاسان شفا نیز مهمان ما بودند. همه مهمانان دور میز نشستند و از خوراکیهایی که مادرم حاضر کرده بود، خوردند و بعد شیرینی و چایی خوردند.

یکی از همکلاسان شفا پیانو می زد، دیگری آواز می خواند.

همکلاسان خواهرم تابلوی قشنگی هدیه دادند و هفده سالگی او را تبریک گفتند.

3-mashq.

Quyidagi raqamlarni so‘z bilan yozing.

عددهای مذکور را با حروف بنویسید.
987, 765, 543, 123, 78, 45, 36, 909, 90, 70, 9, 8, 6, 1997,
2004.

4-mashq.

Quyidagi berilgan iboralarning ma’nolarini uqib oling va ular ishtirokida gaplar tuzing.

معنی اصطلاحات مذکور را حفظ کرده و
جملات بسازید.

دوپا را در یک کفش کردن، کار نشد
ندارد، بنده در مقابل شما، سر حال شدن،
سر حرف خود ایستادن، از یک گوش می گیرد
و از گوش دیگر در می کند.

| |
|-----------------------------------------------------|
| انشاء بنویسید. موضوع: دانشگاه خاورشناسی |
|-----------------------------------------------------|

Sifat

صفت

- Fors tilida qanday so‘zlar sifat turkumiga kiradi?
- Sifatlar gapda qaysi vazifalarda keladi?
- Qiyosiy va orttirma darajalarining hosil bo‘lish yo‘llarini aytib bering.

1-mashq.

Sodda sifatlarga misollar keltiring.

به صفت ساده مثال بیاورید.

2-mashq.

Berilgan soʻzlar ishtirokida soʻz birikmalari tuzing va daftaringizga yozing.

با کلمات زیر عبارات بسازید و در دفتر خود بنویسید.

خوب، خرسند، مهربان، کوچک، صاف، روشن، عادل، قرمز، بزرگ، دراز.

3-mashq.

Berilgan soʻzlar ishtirokida soʻz birikmalari tuzing va daftaringizga yozing.

با کلمات زیر عبارات بسازید و در دفتر خود بنویسید.

سفید، بد، قشنگ، کم، تلخ، وسیع، شیرین، ارزان، زشت، گران، تاریک، کهنه.

4-mashq.

Sifatning qiyosiy darajasiga 10 ta misol keltiring.

۱۰ تا مثال برای صفت برتر بیاورید.

5-mashq.

Sifatning orttirma darajasiga 10 ta misol keltiring.

۱۰ تا مثال برای صفت برترین بیاورید.

6-mashq.

Jumlalarni o'qing va tarjima qiling.

جمله هارا بخوانید و ترجمه کنید.

۱. اتاق آنها بزرگتر است یا اتاق ما؟
۲. اتاق آنها از اتاق شما کمی بزرگتر است.
۳. پدر بزرگش برای ما جالبترین حادثه را تعریف کرد.
۴. پدر بزرگ من از مادر بزرگم پنج سال بزرگتر است.
۵. حکایتی را که تو می خوانی چندان جالب نیست.
۶. ساختمان موزه علی شیر نوایی یکی از زیباترین ساختمان های شهر تاشکند است.
۷. مترو راحت ترین وسیله نقلیه است.
۸. ایستگاههای زیر زمینی متروهر یک از آن یکی زیباتر است، ولی زیباترین آنها ایستگاه امیر تیمور است.
۹. خط اشرف قشنگتر از خط اکبر است.
۱۰. زبان فارسی یکی از شیرین ترین زبان های دنیا شمرده می شود.

7-mashq.

Qavs ichida berilgan sifatlarni tegishli sifat darajasiga qo'yib, gaplarni ko'chirib yozing.

صفت های داخل پرانتز را در درجه صفت لازم بنویسید.

۱. دوستم از من (قوی) است.
۲. او با قدم های (سریع) ی به ما نزدیک می شد.
۳. من (خوب) آثار این نویسنده را خوانده ام.
۴. تحصیل (مهم) وظیفه دانشجویان است.
۵. (بزرگ) ها باید از (کوچک) ها مواظبت کنند.
۶. دانش من از دانش شما (کم) نیست.
۷. ولگا (بزرگ) رودخانه های اروپا است.
۸. شهر سمرقند یکی از (قدیم) شهرهای دنیاست.
۹. این راه تا از آن راه (نزدیک) است.
۱۰. ما (بیش) از دو ساعت منتظر پزشک بودیم.
۱۱. خانم بعد از آقا (بزرگ) خانواده است.

8-mashq.

Gaplarni fors tiliga tarjima qiling.

جملات را بزبان فارسی ترجمه کنید.

- 1.Xiva shahri O‘zbekistonning eng qadimgi shaharlaridan biridir.
- 2.Auditoriyada talabalar ko‘proq forsha gaplashadilar.
- 3.Bizning yurtimizning eng asosiy qishloq xo‘jalik mahsuloti paxtadir.
- 4.Darsga kech qolmay deb ertaroq uyg‘ondim.
5. Bugun havo kechagidan ko‘ra issiqroqdir.
- 6.Toshkent shahrining eng chiroyli **bog‘laridan** biri O‘zbekiston milliy bog‘idir.
- 7.Sa’diy va Hofiz XIV-asrning eng mashhur

shoirlaridandir. 8. Ahmad do'stlarimning eng yaqinidir. 9. Ra'no guruhimizning eng yaxshi talabasidir. 10. Kuz fasli yil fasllari ichida eng go'zalidir.

9-mashq.

Maqollarni yod oling.

ضرب المثل ها را حفظ کنید.
 هر دوست که بی وفاست دشمن به از
 اوست.
 مردن با عزت به از زندگی با ذلت.
 از نان خسیس ستاره نزدیک تر است.

10-mashq.

Fors tiliga tarjima qiling va javob bering.

به زبان فارسی ترجمه کنید و جواب
 بدهید.

Asabiylashganingizda } Nima qilasiz?
 Xafa bo'lganingizda
 Kasal bo'lganingizda

نونه: وقتی که اصبانی می شوید، چه
 می کنید؟
 وقتی که اصبانی می شوم، زیاد غذا می
 خورم.

| | | | |
|-------------------------------------------------------------------------------------|--------|-------------------------------------------------------------------------------------|--------------|
|  | asabiy |  | terlagan |
|  | xafa |  | qorni ochgan |

| | | | |
|-----------------------------------------------------------------------------------|-------------|-----------------------------------------------------------------------------------|----------------|
|  | xursand |  | tashna |
|  | charchagan |  | jahli chiqqan |
|  | kasal |  | hayron bo‘lgan |
|  | shamollagan | | |

انشاء بنويسيد.
موضوع:
دوران کودکی من.

Hozirgi zamon sifatdoshi

صفت فاعلى

- Hozirgi zamon sifatdoshini hosil bo‘lishini tushuntiring.
- Hozirgi zamon sifatdoshi qanday vazifalarda qo‘llaniladi?

1-mashq.

Hozirgi zamon sifatdoshiga misol keltiring va hosil bo‘lishini tushuntiring.

به صفت فاعلى مثال بياوريد و ساختن آن را توضيح بدهيد.

2-mashq.

Mazkur fe'llardan hozirgi zamon sifatdoshini yasang.

از فعل های مذکور صفت فاعلی بسازید.

- | | |
|-----------|----------|
| خواندن - | شنیدن - |
| نوشتن - | لرزیدن - |
| رفتن - | شتافتن - |
| کوشیدن - | گفتن - |
| توانستن - | دیدن - |

3-mashq.

Quyidagi gaplarda hozirgi zamon sifatdoshini aniqlang va qaysi fe'ldan yasalganligini ayting.

در جمله های زیر صفت فاعلی را بیابید و از کدام فعل ساخته شده است بگویید.

۱. معلم مانند شمع فروزان است.
۲. سفر علی صورت خندان مسافران را به یاد آورد.
۳. نور لرزان فانوس راه او را روشن می کرد.
۴. صیاد شتابان به سوی درخت می دوید.
۵. انسان از زمان های قدیم آرزو داشت به ماه روشن و ستارگان درخشان برسد.

4-mashq.

Maqollarni o'qing va hozirgi zamon sifatdoshini aniqlang.

ضرب المثل ها را بخوانید و صفت فاعلی را بیابید.

۱. نابینا به کار خود بیناست.
۲. دانا داند و پرسد، نادان نداند و نپرسد.
۳. جوینده یابنده است.
۴. پرسان پرسان می شود رفت تا مگه.

5-mashq.

Quyidagi parchalarni o'zbek tiliga tarjima qiling va hozirgi zamon sifatdoshini aniqlang.

متن های زیر را به زبان ازبکی ترجمه کنید و صفت فاعلی را بیابید.

۱. راننده تاکسی با خنده، ما را نگاه می کرد.

۲. باغ بسیار بزرگی بود با درختان کهن سال سر به فلک کشیده که روزها سرو صدای پرنده ها توش قطع نمی شد.

۳. در همین موقع، دختری با چادر که فقط چشمانش از آن بیرون بود، وارد شد و سلام کرد.

۴. صدایی گیرا، یاد آور گذشته دور.

۵. در همین وقت تلفن زنگ زد و پدرم تلفن را جواب داد. چند دقیقه بعد خنده کنان بطرف ما آمد.

6-mashq.

A. Quyidagi iboralarni tarjima qiling va yodlang.

عبارات زیر را ترجمه کنید و یاد بگیرید.

دست و پای خود را گم کردن.

ماننده كاردى در دل نشست.
گوش تيز كردن.
از دست و پا افتادن.

B. Ular ishtirokida gaplar tuzing.

استفاده از آنها جملات بسازيد.

Kelasi zamon sifatdoshi

يای لياقت

- Kelasi zamon sifatdoshi qanday yasaladi?
- Qanday vazifalarda qo‘llaniladi?

1-mashq.

A. Ushbu fe‘llardan kelasi zamon sifatdoshi yasang.

از فعل های مذکور يای لياقت بسازيد.
دیدن - گرفتن
خواندن - خواستن
رفتن - دل دادن
شنیدن - بودن
نوشتن - آمدن

B. Ular ishtirokida beshta gap tuzing.

با شرکت آنها پنج تا جمله بسازيد.

2-mashq.

Topishmoqlar javobini toping.

جواب چيستان هارا بياييد.

نه دست دارد نه پا، خبر می دهد همه جا.

دو برادر هر چه می دوند به همدیگر نمی رسند.

تو می روی او می رود، تو می ایستی
او می ایستد.

3-mashq.

A. Murojaat qonun-qoidalarini yod oling.

قواعد مراجعه را یاد بگیرید.

استاد محترم، خواهش می کنم در حل این
مسئله به من کمک کنید.

لطفاً در حل این مسئله کمکتان را از
من مضایقه نکنید.

خواهشمندم با قدم های خود ما را
خوشحال کنید.

لطفاً نشانی خانه تان را بگویید.

بفرمایید فردا به خانه ما تشریف
بیاورید.

| دوستانه | مودبانه | محترمانه |
|-----------------------------|----------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|
| بیایید بنشینید بخورید | لطفاً بیایید بفرمایید بفرمایید، بخورید | تشریف بیاورید بفرمایید بنشینید بفرمایید، میل کنید |

B. Quyidagi iboralarni fors tiliga tarjima qiling.

عبارات زیر را بزبان فارسی ترجمه کنید.

Xush kelibsiz; kelganingizdan juda xursandman; marhamat, o'tiring; kechirasiz, ketishim kerak; qanday qilib sizga rahmat aytishni bilmayapman; sizga shuni aytmqchi edimki....; agar sizga qiyn bo'lmasa; kechirasiz, sizni qiynab qo'ydim.

2-mashq.

Tabrik

تبریک

دوست عزیز و گرامی!

فرا رسیدن عید نوروز سال ۱۳۸۸ را از صمیم قلب به تو و افراد خانواده ات تبریک می گویم. امیدوارم که در سال ۱۳۸۹ مانند سال ۱۳۸۸ سلامت باشی. در کار و زندگی ات همیشه موفق باشی.

قربانت - نرگس

۲۸/۱۲/۱۳۸۸

3-mashq.

Siz ham "Ayollar bayrami" munosabati bilan onangizga, "Ustoz va murabbiylar kuni" bilan ustozingizga va "Yangi yil" bayrami bilan do'stingizga tabriknoma yozing.

شما هم به مناسبت "روز زنان" به مادرتان، به مناسبت "روز استادان" به معلمتان و به مناسبت "سال نو" به دوستان نامه تبریک بنویسید.

4-mashq.

A. Matnni o'qing va o'zbek tiliga tarjima qiling.

متن را بخوانید و بزبان ازبکی ترجمه کنید.

فداکاری

پرویز در آخرین کلاس دبستان تحصیل می کرد. پدرش مردی ساخوردده بود و درآمد ناچیزی داشت. برای فراهم کردن لوازم زندگی خانواده خود ناچار بود شبها نیز کار کند. بدین سبب با یکی از مؤسسات چاپ و نشر قرار گذاشته بود که نام و نشانی مشتریان را بروی پاکتها بنویسد. اما این کار شبانه او را خسته می کرد. بارها از این کار توانفرسا شکایت کرده بود. روزی گفت: "چشمانم دیگر کم سو شده است. می ترسم که این کار طاقت فرسای شبانه مرا از پای در آورده باشد".

پرویز از شنیدن سخن پدرش سخت متاثر شد و به فکری فرو رفت که چگونه می تواند به پدرش کمک کند. او می دانست که پدرش نیمه شب دست از کار می کشد می خوابد. شبی همین که پدرش خوابید بی سرو

صدا به اتاق کار او رفت، پشت میز نشست و با تقلید از خط پدرش شروع به نوشتن عنوان ها بروی پاکتها کرد. پرویز در آن شب صد و پنجاه نام و نشانی نوشت.

روز بعد پدر با خوشحالی دست به شانه پسرش زده گفت: "پرویز پدرت هنوز کارگر خوبی است. دیشب یک ثلث بیشتر از شبهای دیگر کار کرده ام".

پرویز با خود گفت: "بیچاره پدر از ماجرا خبر ندارد. خوشحالم که با این کار خود علاوه بر کمک مادی موجب خرسندی پدرم شده ام".

از آن پس هر شب پرویز سر ساعت دوازده بنوشتن می پرداخت. اما در نتیجه این کار مداوم پرویز روز بروز ضعیفتر و خسته ترمی شد، کار به جایی رسید که پرویز دیگر نمی توانست با دقت درس بخواند و تکلیفهای خود را انجام دهد. پدر که این را احساس کرده بود، روزی پرویز را سرزنش کرد و گفت: "پرویز تو دیگر در درس خواندن کوشا نیستی و تکلیفهای مدرسه ات را به طوریکه لازم است انجام نمی دهی تو خیلی تغییر کرده ای...".

پرویز از سرزنش پدر دلگیر شد و تصمیم گرفت که از این کار دست بکشد. اما همان روز پدر به خانه آمد و یک جعبه شیرینی روی میز گذاشت و با شادی و خرسندی گفت: "بچه ها می دانید که در این ماه مزد

شبانه ام چند برابر شده است؟ بیایید

به این مناسبت دهانتان را شیرین کنید".

پرویز چون این خرسندی پدرش را دید پیش خود گفت: "نه، من نباید از این کار دست بکشم. درسهایم را هر طور باشد حاضر می‌کنم و شبها عنوان پاکتها را می‌نویسم".

این کار باعث شد که آثار خستگی و فرسودگی در او بیشتر پدیدار شود.

شبی مادر از خستگی و رنگ پریدگی پرویز پی برد که فرزندش ناراحت است. از او پرسید: "پرویز ناخوشی؟" پدر با عجله نگاهی به پسر کرده گفت: "نه، پرویز ناخوش نیست بلکه وجدانش ناراحت است." این کلمات مانند کاردی در دل پرویز نشست. او با خود گفت: "دیگر پدرم مرا دوست ندارد، من دیگر شبها کار نخواهم کرد. من بی محبت پدر نمی‌توانم زندگی کنم."

اما همان روز باز بی اراده نیمه شب به اتاق کار پدرش رفت. می‌خواست که چراغ را روشن کند دستش به کتابی خورد و کتاب افتاد. پرویز گوشه‌هایش را تیز کرد، مبادا پدرش به صدای افتادن کتاب بیدار شود. اما سکوت همه جا را فرا گرفته بود....

ناگهان تماس دست‌هایی را احساس کرد سرش را بلند کرد و پدرش را بالای سرش دید که با دستهایش سر او را نوازش می‌کرد.... پرویز که دست و پای خود را گم

کرده بود پی در پی می گفت: "آه پدر مرا ببخش!" پدر سر و صورت پسر را بوسه می زد و می گفت: "تو مرا ببخش، پسر عزیزم، من از تو پوزش می خواهم، حالا دیگر همه چیز برای من معلوم شد."

پدر پسر فداکار خود را در آغوش گرفته به بسترش برد و گفت: "بخواب پسر، بخواب پسر عزیزم!"

پرویز که گویی بار سنگینی از دوشش بر داشته اند دیده بر هم نهاد و به خواب رفت. لبخندی دلنشین بر لبهایش نمایان بود. دیر زمانی بود که چنین آرام و آسوده و شیرین خوابیده بود.

(اقتباس از کتاب "قهرمانان کوچک")

B. Matndagi fe'llarning zamonini aniqlang.

زمان افعال متن را بگویید.

C. Matnni fors tilida gapirib bering.

متن را بزبان فارسی گفتگو کنید.

5-mashq.

Savollarga javob bering.

به پرسشها جواب بدهید.

۱. چرا پدر پرویز علاوه بر کار روزانه شبها نیز کار می کرد؟
۲. کار شبانه پدر پرویز چه بود؟
۳. چرا پرویز به فکر افتاد که شبها کار پدرش را ادامه دهد؟
۴. در نتیجه کار شبانه پرویز چه تغییری کرده بود؟

۵. چرا پدرش پرویز را سرزنش می کرد؟
۶. سرزنش پدر به پرویز چه تاثیری کرده بود؟
۷. آیا پرویز از کمک به پدرش دست کشید یا نه؟
۸. چطور شد که پدر از مسئله اطلاع یافت؟
۹. شما از این داستان چه نتیجه ای گرفتید؟

O'tgan zamon natijali fe'li ماضی نقلی

O'tgan zam.sifatdoshi + sh.-s.qo'shimchasi
بن ماضی + صفت مفعولی + شناسه صرفی

- O'tgan zamon natijali fe'liga ta'rif bering.
- O'tgan zamon natijali fe'lida urg'u qayerga tushadi?
- O'tgan zamon natijali fe'lining bo'lishsiz shakli qanday yasaladi?

1-mashq.

Berilgan fe'llarni o'tgan zamon natijali fe'lining bo'lishli va bo'lishsiz shakllarida tuslang.

فعلهای مذکور را در زمان ماضی نقلی در صورت های مثبت و منفی صرف نمائید.

خواندن - نوشتن - پختن - آوردن - بر
گشتن - بیدار شدن - کمک دادن - خواب
دادن

2-mashq.

Matnni o‘qing, o‘zbek tiliga tarjima qiling va o‘tgan zamon natijali fe’lini toping.

متن را بخوانید، ترجمه کنید و فعل ماضی نقلی را بیابید.

روزی مردی زنبیلی بر داشت و به طرف باغی رفت و وارد باغی شد. مقداری میوه چیده توی زنبیل ریخت. در این وقت باغبان رسید و از او پرسید: تو کیستی و در اینجا چه می کنی؟
مرد جواب داد: از کنار این باغ می گذشتم باد شدیدی وزید و مرا توی این باغ انداخت.

باغبان پرسید: پس این میوه ها را کی چیده است؟

مرد گفت: وقتی که باد مرا به این طرف و آن طرف می کشانید، برای **رهایی** از باد به آنها چسبیده ام و آنها کنده شده اند.

باغبان گفت: فرض کنیم که اینطور است. پس بگو ببینم، چه کسی آنها را توی زنبیل ریخته است؟
مرد فوراً جواب داد: آقا، من هم در همین اندیشه بودم که شما رسیدید.

3-mashq.

Quyidagi gaplarni o‘zbek tiliga tarjima qiling.

جملات زیر را به زبان ازبکی ترجمه نمایید.

من امروز ساعت دو بعد از ظهر از دانشگاه به منزل برگشته ام. خواهر بزرگم ساعت سه به منزل آمده است. ما با دانشجویان در باره این مساله حرف زده ایم. دیروز فهمیدم که او این کار را نکرده است. شنیدم که علی به مسافرت رفته است. مژگان هنوز از مسافرت برنگشته است. زهرا می گفت که غذا را مادرش پخته است. پرویز و همسرش برای خرید خانه مبلغی پول پس انداز کرده اند. شما آثار کدام نویسنده مشهور ایرانی را خوانده اید؟ برادر بزرگم زن گرفته است و در شهر تبریز زندگی می کند. او زبان فارسی را خوب یاد گرفته است. شما "شاهنامه" فردوسی را خوانده اید؟ بسیاری از آثار نویسندگان ازبکستان به زبان های خارجی ترجمه شده است. دیدم که نامه را نوشته و توی پاکت گذاشته است. سعید به مسافرت رفته و هنوز برنگشته است.

4-mashq.

Qavs ichidagi fe'llarni ning inkor shaklida yozing.

فعلهای داخل پرانتز را در شکل های منفی زمان ماضی نقلی بنویسید.

۱. من کتاب و دفترهای ترا روی میز گذاشتم.

۲. تو درسهای فردا را (حاضر کردن).

۳. همه دانشجویان تمرینهای خانه را (انجام دادن).
۴. ساعت پنج قطار از تهران به باکو (رسیدن).
۵. پدرم از شهر تبریز دیروز (برگشتن) او امروز برگشته است.
۶. ما دیروز از زبان فارسی دیکته (نوشتن).
۷. دانش آموزان پالتوی خودشان را (در آوردن).
۸. شما به پرسشهای معلم درست (جواب دادن).

5-mashq.

Quyidagi parchalarni o'qing va o'zbek tiliga tarjima qiling.

متن های زیر را بخوانید و به زبان ازبکی ترجمه کنید.

بین چندین میلیون آدم مثل این بود که در قایق شکسته ای نشسته ام و در میان دریا گم شده ام. حس می کردم که مرا با افتضاح از جامعه آدم ها بیرون کرده اند.

صادق هدایت "زنده به گور"

منی دانم همه را منتر کرده ام، خودم منتر شده ام ولی یک فکر است که دارد مرا دیوانه می کند، منی توانم جلو لبخند خودم را بگیرم.

صادق هدایت "زنده به گور"

فرانسوی ها آنها را به الجزایر فرستاده اند و آنها را به کارهای سخت وادار کرده اند و با اسیرهای آلمانی بدرفتاری می کنند، از این جهت آلمانی ها هم کاغذ ما را نرسانیدند، اما وقتی که شنیدیم که آلمانی ها شکست خورده اند، و قرار شد بر گردیم به فرانسه، با رفقا آن قدر لش گیری کردیم!

صادق هدایت " اسیر فرانسوی"

حالا که برگشته ام پشیمانم، می دانی باز دلم هوای ایران را می کند مثل اینست که چیزی را گم کرده باشم!

صادق هدایت " آتش پرست"

انشاء بنویسید:

موضوع:

مسافرت به شیراز.

6-mashq.

Quyidagi so'z yasash o'yinini o'qing va siz ham shunga o'xshash o'yin o'ynang.

بازی واژه سازی را بخوانید و شما هم بدین ترتیب واژه سازی بازی کنید.

دانشمند

د - ا - ن - ش - م - ن - د

دان - آن - شام - نام - نان - آدم -

شاد - آنان - من - ما - شما - نم -

نادان

هوا پیما

ه - و - ا - پ - ی - م

فرودگاه

ف - ر - د - گ - ا - ه

پریچهر

پ - ر - ی - چ - ه

Uzoq o'tgan zamon fe'li

ماضي بعید

O'tgan zam.sifatdoshi + بودن fe'li +

sh.-s.qo'shimchasi

بن ماضی + نشانه صفت مفعولی + فعل
بودن + شناسه صرفی

- Uzoq o'tgan zamon fe'liga ta'rif bering.
- Uzoq o'tgan zamon fe'lida urg'u qayerga tushadi?
- Uzoq o'tgan zamon fe'lining bo'lishsiz shakli qanday yasaladi?

1-mashq.

Berilgan fe'llarni uzoq o'tgan zamonning bo'lishli va bo'lishsiz shakllarida tuslang.

فعلهای مذکور را در زمان ماضی بعید در صورت های مثبت و منفی صرف نمائید.

گفتن - کمک کردن - بر گشتن - دیدن -
حرف زدن - بر داشتن

2-mashq.

Quyidagi gaplarni fors tiliga tarjima qiling.

جملات مذکور را به زبان فارسی ترجمه کنید.

1. Men bu fors tilida yozilgan qiziqarli romanni o‘tgan yili o‘qigan edim. 2. Bu qadimiy yodgorlik XIII-asrga oid ekan. 3. Salima institutga kelganida dars boshlangan edi. 4. Ikki yil oldin yozgi ta‘til vaqtida dam olish uchun Eronga borgan edik. 5. Men bu yerga avval kelmagan edim. 6. Toshkent shahri qadimda Shosh deb nomlangan ekan. 7. Toshkent 2200 yilligi munosabati bilan turli davlatlardan mehmonlar kelgan edilar. 8. Yusuf biznikiga kelganida men ukam bilan meva va sabzavotlar sotib olish uchun bozorga ketgan edim. 9. Biz havo maydoniga yetib kelganimizda, yo‘lovchilar samolyotga chiqib o‘tirgan edilar.

3-mashq.

Quyidagi hikoyani o‘qing va undagi uzoq o‘tgan zamon fe’lini aniqlang.

حکایت را بخوانید و فعل ماضی بعید را بیابید.

شکر کردن ملا نصر الدین

ملا نصرالدین خر خود را گم کرده بود. در کوچه این ور و آن ور می رفت و داد می زد، در عین حال شکر می کرد. مردی به او گفت: ای ساده دل، تو که خرت را گم کرده ای، چرا شکر می کنی؟

ملا گفت: شکر برای آن می کنم که خودم سوار خر نبودم و اگر نه من هم با او گم شده بودم.

4-mashq.

Quyidagi parchani o‘qing, tarjima qiling va uzoq o‘tgan zamon fe’lini aniqlang.

متن را بخوانید، ترجمه کنید و فعل ماضی
بعید را بیابید .

نصف شب بود، همه به یاد شب عروسی
خودشان خوابیده بودند و خواب های خوش
می دیدند. ناگهان مثل اینکه کسی در آب
دست و پا
می زد صدای شلپ شلپ همه اهل خانه را
سراسیمه از خواب بیدار کرد. اول به
خیالشان گربه یا بچه در حوض افتاده سر
و پا برهنه چراغ را روشن کردند، هر جا
را گشتند چیز فوق العاده ای رخ نداده
بود وقتی که بر گشتند بروند بخوابند
ننه حسن دید کفش دم پای آجی خانم
نزدیک دریچه آب انبار افتاده. چراغ را
جلو بردند دیدند نعش آجی خانم آمده بود
روی آب، موهای بافته سیاه او مانند
مار به دور گردنش پیچیده شده بود، رخت
زنگاری او به تنش چسبیده بود، صورت او
یک حالت با شکوه و نورانی داشت مانند
این بود که او رفته بود به یک جایی که
نه زشتی نه خوشگلی، نه عروسی و نه
عزا، نه خنده و نه گریه، نه شادی و نه
اندوه در آنجا وجود داشت. او رفته بود
به بهشت!

5-mashq.

A. Matnni o‘qing va o‘zbek tiliga tarjima qiling.

متن را بخوانید و بزبان ازبکی ترجمه
کنید .

می گویند روزی نویسنده معروف فرانسه ولتر در مجلس دعوت بود و همین که دورمیز غذا خوری جمع شدند، جوان پر گویی دربرابر ولتر نشست که از آغاز مجلس همه را از پر گویی و گفته های بی معنی و بیهوده خود خسته کرده بود.

ولتر از پرگویی او به تنگ آمده بود ولی نمی دانست چه کند که دهان آن جوان بیهوده گو را ببندد. ناگهان جوان از او پرسید:

- راستی، بفرمایید ببینم فاصله بین عقل شخص خردمند و عقل آدم ابله چه اندازه است؟

ولتر که این سوال را از آن جوان شنید بی درنگ گفت:

- کاملاً به اندازه این میزی که میان من و شماست! جوان از شنیدن این پاسخ حکیمانه چنان شرمنده شد که تا آخر مجلس صدایش را در نیورد.

بزرگان بی خود نگفته اند: "بی ادب با هزار کس تنهاست".

B. Matnda uchragan fe'llarning zamonini aniqlang.

زمان افعال حکایت را بنویسید.

| |
|-------------------------------------------------------|
| انشاء بنویسید: موضوع: کتاب دوست قدردان انسان |
|-------------------------------------------------------|

Shaxssiz gaplar جمله بدون نهاد

- Fors tilida shaxssiz gaplar qanday yasaladi?
- Shaxssiz gapda ega grammatik jihatdan ifoda etiladimi?

1-mashq.

O'qing va tarjima qiling.

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. با فقر و بی سوادى باید مبارزه کرد.
۲. بدون پول نمى شود زندگى کرد.
۳. آفتاب را با دو انگشت نمى شود پنهان کرد.
۴. با يك دست دو هندوانه نمى شود بر داشت.
۵. به حرف بچه ها باید گوش کرد.
۶. دشمن را نمى توان كوچك و ضعيف دانست.
۷. چه باید کرد و چه نباید کرد، این مساله مهم است.
۸. برای سلامتی هر روز صبح باید ورزش کرد.
۹. اینجا نباید سیگار کشید.
۱۰. این خط بد را نمى شود خواند.

2-mashq.

Qavs ichidagi fe'llardan shaxssiz gap yasang.

از افعال داخل پرانتز جمله بدون نهاد بسازید.

۱. با خواسته‌های او نباید..... (موافقت کردن).

۲. کار را هرچه زودتر باید
..... (شروع کردن).
۳. اول باید حق با کیست.
(دیدن)
۴. بچه هارا نباید (لوس
کردن).
۵. در برف نمی شود فوتبال
(بازی کردن).
۶. به آدم ترسو نمی شود
..... (اعتماد کردن).
۷. با بی سوادی باید
..... (مبارزه کردن).
۸. به نظر من موضوع را باید به او
..... (گفتن).
۹. در تابستان نمی شود لباس گرم
..... (پوشیدن).
۱۰. به قول آدم دروغگو نباید
..... (باور کردن).
۱۱. که فردا مسابقات
ورزشی روی می دهد. (اعلام شدن)

3-mashq.

Quyidagi gaplarni fors tiliga tarjima qiling.

جملات مذکور را به زبان فارسی ترجمه کنید.

1. Bugungi ishni ertaga qoldirish kerak emas. 2. Ovqat yeyishdan oldin qo'lni sovun bilan yuvish kerak. 3. Hamisha tozalikka rioya qilish kerak. 4. Uyni havosini o'zgartirish uchun vaqti-vaqti bilan derazani ochib turish kerak. 5. Fors tili darsida

o'qituvchi bilan faqat forscha gaplashish kerak. 6. Bunday yomg'irli havoda ko'chada zontiksiz yurib bo'lmaydi. 7. Ko'p bilish uchun ko'p o'qish kerak. 8. Uni faqat dam olish kunlari uyida topish mumkin. 9. Bu filmni ko'rsa bo'ladi, chunki qiziqarli ekan. 10. Bu yerga o'tirsa bo'ladimi? 11. Navoiy ko'chasiga qaysi transport vositasi bilan borsa bo'ladi? 12. Temuriylar davriga oid qadimgi ashyolarni Amir Temur davlat muzeyida ko'rish mumkin. 13. Tish og'risa tish doktoriga borish kerak. 14. Ko'p bilish uchun ko'p kitob o'qish kerak.

4-mashq.

Quyidagi gaplarni o'zbek tiliga tarjima qiling.

جملات مذکور را به زبان ازبکی ترجمه کنید.

۱. نمی شود فهمید که او چه می گوید.
۲. این کتاب را به ده هزارصوم می شود خرید.
۳. از کجا می شود کتاب لغت فارسی به روسی را پیدا کرد؟
۴. اصلاً نباید کار خلافی کرد.
۵. برای آنکه سالم باشیم باید هر روز صبح ورزش کرد و سر وقت غذا خورد.
۶. نمی شود فهمید که او چه می گوید.
۷. نباید از او ترسید.
۸. نباید فراموش کرد که ما اهل علم و دانش هستیم.
۹. تا فردا این کار را نمی شود کرد.
۱۰. نباید با هر چیز کوچکی عصبانی شد.

Aniq kelasi zamon fe'li

فعل مستقبل

HZN + sh.-s.qo'sim. + qisqartirilgan infinitiv
ستاگ حال "خواستن" + شناسه صرفی + مصدر
کوتاه فعل اصلی

- Aniq kelasi zamon fe'lida urg'u qayerga tushadi?
- Aniq kelasi zamon fe'li hozirgi-kelasi zamon fe'lidan qaysi jihatlari bilan farq qiladi?

1-mashq.

Quyidagi fe'llarni aniq kelasi zamonning bo'lishli va bo'lishsiz shakllarida tuslang.

فعلهای مذکور را در زمان مستقبل در صورت های مثبت و منفی صرف نمائید.

خواندن - کمک کردن - بر داشتن
نوشتن - تحصیل کردن - برگشتن
گفتن - یاد گرفتن - در آوردن

2-mashq.

A. Qavs ichidagi fe'llarni aniq kelasi zamonga qo'yib yozing.
افعال داخل پرانتز را در زمان آینده به کار ببرید.

۱. شما امشب به خانه ما (آمدن)؟
۲. روز استراحت برادر شما هم با آنها به گردش (رفتن)؟
۳. شما خواهش ما را بزودی (انجام دادن) یا نه؟

۴. دانشجویان گروه ما امسال تابستان به ایران (رفتن)؟
۵. پدر بزرگتان نوه های خود را به باغ وحش (بردن)؟
۶. پسر عمویت به تبریز با اتوبوس (آمدن) یا با هواپیما؟
۷. تو در سمرقند دو ماه (ماندن)؟
۸. خواهرت با تو (برگشتن) یا اینکه در آنجا (ماندن)؟

B. Savollarga bo‘lishli yoki bo‘lishsiz javoblar yozing.

به سوالات جوابهای تصدیق یا انکار بنویسید.

نمونه: بلی، من امشب به خانه شما خواهم آمد.
نه، من امشب به خانه شما نخواهم آمد.

3-mashq.

Quyidagi gaplarni fors tiliga tarjima qiling.

جملات مذکور را به زبان فارسی ترجمه کنید.

1. Men sening so‘zlaringni esdan chiqarmayman.
2. U ertaga senikiga bormaydi.
3. Kelasi juma parkga boramiz.
4. Agar siz ertaga institutga borsangiz, men ham boraman.
5. Men bugun kechki ovqatga o‘zbek milliy taomi bo‘lmish palovni pishiraman.
6. Men uni ertaga ko‘raman.
7. Ular ertaga kinoga bormaydilar.
8. Kelasi yili bu loyiha ustida albatta ishlayman.
9. Ular indinga safarga jo‘naydilar.

4-mashq.

A. O‘qing va tarjima qiling.

بخوانید و ترجمه کنید.

لقمان و مرد پیاده

لقمان در صحرا می رفت. شخصی از دور می آمد. همین که به لقمان نزدیک شد از او پرسید: بعد از چند ساعت به شهر خواهم رسید؟ لقمان گفت: راه برو.

آن شخص گفت: مگر نشنیدید، من پرسیدم که چند ساعت دیگر به شهر خواهم رسید؟ لقمان باز جواب داد: راه برو.

آن شخص با خود اندیشید که این مرد دیوانه است، دیگر چیزی نگفته به راه افتاد.

چند قدم که دور شد لقمان آن شخص را صدا کرده گفت: دو ساعت دیگر به شهر خواهی رسید.

آن شخص بر گشت و پرسید: پس چرا اول جواب ندادید؟

لقمان گفت: زیرا راه رفتن ترا ندیده بودم و نمی دانستم که آهسته می روی یا تند.

حالا که دیدم، حساب کردم و دانستم که بعد از دو ساعت خواهی رسید.

B. Matnda aniq kelasi zamon fe’li qatnashgan jummalarni aniqlang.

در متن جمله هایکه با فعل مستقبل آمده بیابید.

5-mashq.

So‘zlarning antonimini yozing.

متضاد کلمات را بنویسید.

| | |
|-------------|-----------|
| زیبا - | زودتر - |
| شروع - | کوتاهتر - |
| فراوان - | روز - |
| جدید - | رسیده - |
| اولین - | خوشمزه - |
| غروب کردن - | سنگین - |

انشاء بنویسید:

موضوع:

ورزش.

Fe'lning majhul nisbati

فعل مجهول

- Fe'llning majhul nisbati deb nimaga aytiladi?
- Uning yasalishini tushuntiring.

1-mashq.

Quyidagi gaplarni o'qing, tarjima qiling va majhul nisbat shaklidagi fe'llarning zamonini aniqlang.

جملات زیر را بخوانید، ترجمه کنید و زمان فعل های مجهول را بگویید.

۱. در شهر تاشکند هر سال ساختمان های جدیدی ساخته می شود.
۲. از دور صدای خنده او شنیده شد.
۳. جمهوری ازبکستان در سال ۱۹۹۱ تشکیل شده است.
۴. امروز حقوق داده می شود.
۵. اتاق فرهنگ ایران توسط سفیر جمهوری اسلامی ایران درانستیتوی فلسفه گشایش یافت.
۶. نامه از طرف دوستم فرستاده شد.
۷. غذا پخته می شود.
۸. این ساختمان های چند طبقه طی سالهای اخیر ساخته شده است.
۹. در باره تاریخ ازبکستان اثرهای زیادی نوشته شده است.
۱۰. روی میز شیرینی های مختلف گذاشته شده بود.

۱۱. کیف دزدیده شد.
۱۲. آل احمد با آثارش شناخته گشت.
۱۳. خیابان کنده شده بود.
۱۴. حمید در خیابان دیده شد.
۱۵. این مقاله باید در کلاس خوانده شود.
۱۶. از من خواسته شده است که با شما همکاری کنم.
۱۷. چند روز بود که راه به علت برف سنگین بسته شده بود ولی بالاخره باز شد.
۱۸. گاهی در آسمان آبی، لکه های ابر سیاه دیده می شود.

2-mashq.

Quyidagi gaplarni fors tiliga tarjima qiling.

جملات زیر را بزبان فارسی ترجمه کنید.

1. Bu olim haqida gazeta va jurnallarda ko'pgina maqolalar yozilgan.
2. Samarqandning bu qadimiy binosi XV-asrda qurilgan ekan.
3. Ushbu matn o'qituvchi tomonidan bir necha marta o'qildi.
4. Bu mavzu ustida keyinroq bahslashiladi.
5. Bu inshoot juda qisqa muddat ichida qurildi.
6. Anoraning yig'i ovozi uzoqdan eshitilindi.
7. Ko'cha shu qadar tuman ediki, atrofda hech narsa ko'rinmas edi.
8. Bu korxonada zamonaviy dastgohlar bilan jihozlangan.
9. Muaddaburning "Parichehr" romani bir necha tillarga tarjima qilingan.
10. **Uning bu ishi maqtovga loyiq.**
11. Kuz keldi va havo sovuqlashdi.
12. Bu korxonada 2005 yili tashkil etilgan va shu kungacha o'nlab kishilar ish bilan ta'minlangan.

3-mashq.

So'zlarning sinonimini yozing.

مترادف کلمات را بنویسید.

| | |
|--------------|------------|
| آسان - | مختلف - |
| خارج شدن - | قسمت - |
| هیچ وقت - | جای - |
| گردش کردن - | ناشایسته - |
| اصرار کردن - | نهارخوری - |
| | مهر - |

Fe'lning orttirma nisbati

فعل سببی (یا فعل اجبار)

- Fors tilida fe'lning orttirma nisbati qanday yasaladi?
- Majhul va orttirma nisbatlarning o'zaro farqini ayting.

1-mashq.

Quyidagi fe'llardan orttirma nisbatli fe'llar yasang va ularning ma'nosini aytib bering.

از فعل های مذکور فعل های سببی بسازید و معنی آنها را بگویید.

- | | |
|----------|----------|
| پوشیدن - | ترسیدن - |
| چرخیدن - | رنجیدن - |
| خوردن - | نشستن - |
| دویدن - | گردیدن - |
| رسیدن - | گذشتن - |

2-mashq.

Quyidagi gaplarni fors tiliga tarjima qiling.

جملات زیر را بزبان فارسی ترجمه کنید.

1. U meni ranjitdi. 2. O'qituvchi yangi mavzuni o'quvchilariga tushuntirdi. 3. Yozgi ta'tilda vaqtimni kitob o'qish bilan o'tkazdim. 4. Xatni unga yetkazdim. 5. Avval singlimni uxlatdim, so'ngra darslarimni tayyorladim. 6. Ra'no suvni samovarda qaynatdi. 7. U ukasiga ovqat yediriyapti. 8. Havo sovuq bo'lganligi sababli, ona qiziga issiq kiyim kiydirdi. 9. Men bu ishim bilan sizlarga foyda keltirdim. 10. U o'z umrining qolgan qismini shu yerda o'tkazmoqchi. 11. Bu xabar meni titratdi.

3-mashq.

Quyidagi gaplarni o'zbek tiliga tarjima qiling.

جملات زیر را ازبکی ترجمه کنید.

۱. لباسی که تازه خریده بود به بچه اش پوشاند.
۲. ظریفه غذا را به خواهرش خورانید.
۳. احمد خواهرش را با اتوبوس به بازار برد.
۴. تمام کتابها را به کتابخانه برگرداندم.
۵. او با جک خودش همه ما را خندانید.
۶. دوستم بعد از رساندن من، به خانه خودش رفت.
۷. علی حسن را سر جایش نشاند.
۸. شما این کار را به آسانی به انجام نرسانده اید.
۹. مادر بچه هارا سر ساعت نه می خواباند.

۱۰. آموزگاران معمولاً شاگردان را از رد شدن در امتحان می ترسانند.
۱۱. مادر بزرگ نوه کوچک خود را خوابانید.
۱۲. خواهرم هر روز صبح درست ساعت هفت و نیم مرا بیدار می کند.

4-mashq.

Quyidagi parchalarni o‘qing, tarjima qiling va fe’lning orttirma nisbatiga diqqat qiling.

متن زیر را بخوانید، ترجمه کنید و به فعل های سببی دقت کنید.

خ: سرگذشت جالبی دارید. آقای طاهری شما آدم موفقی هستید. حالا بفرمایید، اوقات فراغت را چطور می گذرانید؟

به طرفش برگشتم. پدر خوددار بود. اول دستش را به طرفم دراز کرد تا مثل دو تا مرد با هم دست بدهیم. می خواست به من بفهماند که در نظرش مرد شدم.

به طرف چمدان رفتم و سوغات فرخنده خانم و لیلا را بیرون آوردم.

سرم را از زیر پتو در آوردم و ساعت را نگاه کردم. نه صبح بود.

با دلی شکسته به اتاق پریچهر خانم رفتم و همانطور که نشان داده بود، قالیچه و عکس ها و قوطی سیگار را پیدا کردم و طبق وصیتش قالیچه را به مبلغ

بسیار بالای فروختم و همانطور که خواسته بود پولش را به مصرف رساندم.

دیگه داشت موضوع جدی می شد که به پدرم نگاه کردم و با اشاره به او فهماندم که حرف را تمام کند.

یاد بهرام افتاد، تنش لرزید و راه خود را پیش گرفت. ناگهان جلوی شیشه دکانی ایستاد.

جلو رفت پیشانی‌اش را به شیشه سرد چسبانید، نزدیک بود کلاهش بیفتد. پشت شیشه اسباب بازی چیده بودند.

5-mashq.

She'ni o'qing va mazmunini tarjima qiling.

شعر را بخوانید و مضمون آن را ترجمه کنید.

ای مادر عزیز که جانم فدای تو
قربان مهربانی و لطف و صفای تو
هرگز نشد محبت یاران و دوستان
همپایه محبت و مهر و وفای تو
مهرت بیرون نمی رود از سینه ام که
هست

این سینه خانه تو و این دل سرای تو
ای مادر عزیز که جان داده ای مرا
سهل است اگر که جان دهم اکنون برای
تو

خشنودی تو مایه خشنودی من است
زیرا بود رضای خدا در رضای تو
گر بود اختیار جهانی به دست من

می ریختم تمام جهان را به پای تو
(ابولقاسم حالت)

Arifmetik qoidalar قواعد ریاضیاتی

| | | | |
|----------|-------|----------------|-------------------------------|
| $+$ | اضافه | $۲+۲=۴$ | ۲ به اضافه ۲ می شود ۴ |
| $-$ | منها | $۶-۳=۳$ | ۶ منهای ۳ می شود ۳ |
| \div | تقسیم | $۲۵\div ۵=۵$ | ۲۵ تقسیم بر ۵ می شود ۵ |
| \times | ضرب | $۴\times ۵=۲۰$ | ۴ ضرب در ۵ می شود ۲۰ |
| $=$ | مساوی | $۲=۲$ | ۲ مساوی است با ۲ ۲ مساوی ۲ |

1-mashq.

Misolni forscha o'qing va javobini toping.

مساله را به فارسی بخوانید و جوابش را بیابید.

1. $17+32=$

2. $55-13=$

3. $88\div 2=$

4. $45\div 15=$

5. $22\times 2=$

6. $60+18=$

7. $93-6=$

8. $96\div 4=$

9. $15+50=$

10. $7\times 8=$

11. $40\div 4=$

12. $70+17=$

13. $80-18=$

14. $19+9=$

15. $95-20=$

16. $12\times 5=$

2-mashq.

Misolni o'zbek tiliga tarjima qiling va javobini toping.

مساله رابه زبان ازبکی ترجمه کنید و جوابش را بیابید.

اتوبوسی ۲۵ مسافر داشت ۱۲ مسافر دیگر نیز سوار آن شدند. حالا اتوبوس چند مسافر دارد؟

3-mashq.

Masalani o'zbek tiliga tarjima qiling va javobini toping.

مساله را به زبان ازبکی ترجمه کنید و جوابش را بیابید.

آقای مجیدی در روز درخت کاری ۵۸ درخت کاشت و آقای احمدی ۴۵ درخت کاشت. آقای مجیدی چند درخت بیشتر کاشته است؟

4-mashq.

Masalaning javobini toping.

جواب مساله را بیابید.

مشهدی حسن سال گذشته از باغ خود ۵۷ صندوق سیب درختی بر داشت کرد. او امسال ۲۷ صندوق بیشتر از سال قبل بر داشت کرده است. محصول سیب باغ مشهدی حسن امسال چند صندوق سیب است؟

5-mashq.

Masalaning javobini toping.

جواب مساله را بیابید.

علی آقا مرد نیکوکاری است. او ۹۸ دست لباس برای دانش آموزان نیازمند تهیه کرد. ۴۵ دست آن را به مدرسه پسرانه داد. حساب کنید چند دست لباس باقی مانده است؟

6-mashq.

Forscha maqollarni o'qing, tarjima qiling va yod oling.

ضرب المثل های فارسی را بخوانید، ترجمه کرده، حفظ کنید.

- اول اندیشه آنگهی گفتار.
- آب رفته به جوی باز نگردد.
- آب روان پاک است.
- آدم مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد.

- تو خوبی کن و در دریا اندازکه
ایزد در بیابانت دهد باز.
- جلو ضرر را از هر کجا بگیرید
منفعت است.
- به اندازه گلیمت پایت را دراز کن.
- تا تنور داغ است نان را باید
چسباند.
- جوینده یابنده است.
- کار امروز را به فردا مفکن.
- هر چه در دیگ است، به چمچه در
آید.
- یار نیک را در روز بد باید شناخت.
- تیر همیشه به نشانه نمی رسد.
- خورشید پشت ابر پنهان نمی ماند.
- زبان مرغ را مرغ می داند.
- صاحب هنر به هیچ جا غریب نیست.
- آهسته رو همیشه رو.
- از حلوا گفتن دهان شیرین نمی شود.
- هیچ ارزانی بی علت و هیچ گرانی بی
حکمت نیست.
- با نیک نشینی نیک شوی با دیگ
نشینی سیاه.

7-mashq.

Buyuk kishilarning hayot va ish haqidagi fikrlarini o'qing va tarjima qiling.

گفته های بزرگان در باره کار و زندگی را بخوانید و ترجمه کنید.

زندگی بدون کار مردن پیش از وقت است.

(گوته)

زندگی، یعنی جستجوی دایم.

(لا مارتین)

زندگی، نه روز "غم" است، نه روز "سرور"، روز "کار" است.

(وینه)

سعادت بسته به کار و جسارت است.

(بالزاکه)

در جهان کسی نیست که وجودش برای کاری به درد نخورد.

(خواجه نظام الملکه)

کار بهترین درمان درد های من است.

(ولتر)

کار عار نیست، افتخار است.

کار قانون زندگی است، قانون کلیه اکتشافات و تمام پیشرفت ها است.

8-mashq.

Matnni o'qing va tarjima qiling.

متن را بخوانید و ترجمه کنید.

دعای مادر

ابو یزید بسطامی را پرسیدند که "این پایگاه به دعای مادر یافتی. این بزرگی میان خلق و این معروفی به چی یافتی؟" گفت: "آن را هم به دعای مادر که شبی مادر از من آب خواست. بنگریستم، در خانه آب نبود. کوزه بر داشتم. به جوی رفتم، آب بیاوردم. چون بر سر مادر آمدم خوابش برده بود. گفتم که اگر بیدارش کنم من بزهکار باشم. بایستم تا مگر بیدار شود. سر بر کرد و گفت: چرا ایستاده ای؟ قصه بگفتم. بر خاست و نماز کرد و دست به دعا برداشت و گفت: الهی، چنان که این پسر مرا بزرگ و عزیز داشت، اندر میان خلق او را بزرگ و عزیز گردان".

(بستان العارفین)

9-mashq.

A. Matnni o'qing va o'zbek tiliga tarjima qiling.

متن را بخوانید و بزبان ازبکی ترجمه کنید.

میوه های ازبکستان

در جمهوری ازبکستان از قدیم الایام انواع گوناگون میوه ها پرورش داده می شود. طی قرن های متمادی بر اساس اصلاح بذر انواع عالی قیسی و سیب، گرد، بادام، هلو، انار، توت و همچنین تاک های مختلف انگور به وجود آمده است. میوه های رسیده غالباً تازه و علاوه بر آن میوه های خشک مورد استفاده قرار می گیرند.

در ازبکستان حدود نوزده نوع درخت و بوته های میوه ای کشت می شود. در جمهوری حدود سه هزار باغ اختصاصی و تاکستان ها بوده در آن سیب، هلو، به و گلابی و زردالو، گیلان، آلبالو و آلبوخیاری و انار و انجیر و گردو، پسته و بادام و توت زمینی و سایر میوه ها کشت می شود.

تاکستانها از قدیم در ولایات تاشکند و سمرقند و جلگه فرغانه رواج داشته اند. از انگور در تولید شراب و کنسرو و خشکبار استفاده می کنند.

در جمهوری مرکبات آورده شده از مناطق گرمسیر مثل لیمو و پرتغال و نارنگی و عناب و خرما و سایر میوه ها کشت و پرورش می گردد. در شهرهای اندیجان و ننگان و سرخان دریا و تاشکند و سایر ولایات گرم خانه ها برپا شده است. در

جمهوری موسسه پژوهشی باغداری و تاکداری و شرابسازی بنام شیریدیر فعالیت نموده و سالهای اخیر شست نوع میوه محصولدار بدست آورده و برای کشت توصیه شده است.

B. Yangi so‘zlarni yod oling.

کلمات تازه را حفظ کنید.

C. Sabzavotlar lug‘ati ro‘yxatini forschada yozing.

فهرست لغت سبزیجات را بفارسی بنویسید.

10-mashq.

A. Matnni o‘qing va o‘zbek tiliga tarjima qiling.

متن را بخوانید و بزبان ازبکی ترجمه کنید.

فیل

فیل حیوان بزرگی است که بیشتر در هندوستان زندگی می کند. هندی ها فیل را برای حمل و نقل بارهای سنگین و سایر خدمات تربیت می کنند و این حیوان با هوش از عهده این کارها بخوبی بر می آید.

می گویند: روزی صاحب فیل دیگ سوراخ شده ای را به فیل داد که برای مرمت به دکان مسگری برد. فیل دیگ را نزد مسگر برد و مسگر آن را درست کرده به فیل پس داد. فیل دیگ را بر داشته به منزل صاحبش برگشت. اما، چون مسگر سوراخ دیگ را خوب نگرفته بود، آب در آن بند نمی شد. صاحبش این عیب را به فیل

فهماند. حیوان هوشیار بار دوم دیگ را بر داشته به طرف دکان همان مسگر روانه شد. همین که به دکان رسید دیگ را از آب پر کرده با خرطوم بالای سر مسگر نگهداشت. مسگر مطلب را دریافت و دیگ را این بار بخوبی درست کرده به فیل داد. فیل در حالی که آثار خرسندی در چشمانش هویدا بود دیگ را به خانه آورده نزد صاحبش گذاشت.

B. Matnda uchragan fe'llarning zamonini aniqlang.

زمان افعال حکایت را بنویسید.

C. Uy hayvonlarining forscha nomini yozing.

نام فارسی حیوانات اهلی را بنویسید.

D. Yirtqich hayvonlarning forscha nomini yozing.

نام فارسی حیوانات درنده را بنویسید.

11-mashq.

A. Ikki kishi bo'lib o'qing va og'zaki tilga qiyoslang.

دو نفری بخوانید و با زبان محاوره ای مقایسه کنید.

- بفرمایید، بگویید ببینم نان تازه است؟
(بفرمایین، بگین ببینم، نون تازه یه؟)

- آقا فقط نان سنگگ تازه است، آن یکی تازه نیست.
(آقا، فقط نون سنگگ تازه یه، اون یکی تازه نیس.)

- در این صورت، یک عدد نان سنگک بدهید.

(در این صورت، یک کیلو ونیم نون سنگک بدین.)

- ببخشید، از کجا می توانم تخم مرغ بخرم؟

(ببخشین، از کجا می توانم تخم مرغ بخرم.)

- آقا، تخم مرغ را در مغازه لبنیات فروشی می توانید بخرید.

(آقا تخم مرغو در مغازه لبنیات فروشی می تونین بخرین.)

- در مغازه لبنیات فروشی چه چیزی دیگری می شود خرید؟

(در مغازه لبنیات فروشی دیگه چی می شه خرید؟)

- در آن مغازه شیر، ماست، خامه، سرشیر، کره، پنیر، روغن آب کرده، روغن نباتی، دوغ و غیره می شود خرید.

در اون مغازه شیر، ماست، خامه، سر شیر، کره، پنیر، روغن آب کرده، روغن نباتی، دوغ و غیره می شه خرید.)

- من باید گوشت هم بخرم. آیا آن را از کجا می توانم بخرم؟

(من باید گوشتم بخرم، آیا آن رو کجا می توانم بخرم؟)

- یک کمی جلوتر بروید همان جا می بینید.

(یه کمی جلوتر برید، همون جا، می بینین.)

- بفرماید آقا، چه میل دارید، گوشت
گاو، گوشت گوسفند، گوشت گوساله، گوشت
مرغ، گوشت بز؟
- (بفرمایین آقا، چی میل دارین، گوشت
گاو، گوشت گوسفند، گوشت گوساله، گوشت
مرغ، گوشت بز؟)
- کدام یک از این گوشت ها تازه است؟
(کدوم از این گوشتا تازه یه؟)
- گوشت گوساله تازه است آن یکی از
دیروز مانده است.
- (گوشت گوساله تازه یه، اون یکی از
دیروز مونده.)
- خوب، دو کیلو گوشت گوساله بکشید.
(خب، دو کیلو گوشت گوساله بکشین.)
- ببخشید، مادرم ماهی هم سفارش داده
است. ماهی را از کجا می توانم بخرم؟
(ببخشین، مادرم ماهی هم سفارش داده،
ماهی رو از کجا می تونم بخرم؟)
- روبروی همین مغازه، ماهی فروشی
است.
- (روبروی، همین مغازه ماهی فروشیه.)
- دیگر چه می خواستید بخرید؟
(دیگه چی می خواستین بخرین؟)
- می خواهم برنج، ماکارونی و رشته
نیز بخرم.
- (می خوام برنج، ماکارونی و رشته
بخرم.)
- من خیلی تشنه ام.

- من هم تشنه ام، من از نوشابه های
 گازدار و معدنی خوشم می آید.
 (منم تشنه ام. من از نوشابه ای
 گازدار و معدنی خوشم می آید.
 - ولی من معمولاً خوردن چای و یا قهوه
 را ترجیح می دهم.
 (ولی من معمولاً خوردن چای و یا قهوه
 رو ترجیح می دم.)
 - اما هوا که خیلی گرم است آدم دلش
 چیزهای خنک می خواهد.
 (اما هوا که خیلی گرمه آدم دلش
 چیزای خنک می خواد.)

B. Yangi so‘zlarni yod oling.

کلمات جدید را حفظ کنید.

C. Ikki kishi bo‘lib, og‘zaki tilda “Xarid” mavzuida
 suhbatlashing.

دو نفر شده در زبان گفتاری روی موضوع
 "خرید" صحبت کنید.

12-mashq.

A. Dialogni ikki kishi bo‘lib o‘qing va og‘zaki tilga
 qiyoslang.

گفتگو را دو نفری بخوانید و با زبان
 محاوره ای مقایسه کنید.

- سلام علیکم، چه تصادف خوبی!
 - علیکم السلام، راسی (راستی) چه خوب
 شد، ما همدیگه رو (همدیگرا) دیدیم.
 - چطوری، ماشاءالله، می بینم خوبی (خوب
 هستی).

- راسی (راستی) چن (چند) مدته (مدت است) که ما همدیگه رو (همدیگر را) ندیده ایم! به نظرم چار-پنج ساله (چهار-پنج سال است).

- آری، درس (درست) پنج سال و نیمه. اما از وقتی که دانشگاه رو (دانشگاه را) تموم کردیم (تمام کردیم) همدیگه رو نمی بینیم.

- خب (خوب) بگو ببینم. کجا زندگی می کنی، خونواده (خانواده) داری، بچه داری؟

- بعد از اونکه (آنکه) دانشگاه رو (دانشگاه را) تمام کردیم اومدم (آمدم) به تبریز. حالا هم در تبریز زندگی و کار می کنم. خونواده (خانواده) دارم، دو تاام (دو تا هم) بچه دارم. یکی پسر سه ساله و دیگری دختر یه ساله (یک ساله). تو چه؟

- منم (من هم) یه دختر دو ساله دارم.
- خیلی خوب شد که ما همدیگه رو (همدیگر را) دیدیم. خوایش (خواهش) می کنم نشانی تو بگی (نشانی تو را بگو). شاید راهمون (راهمان) از آن طرف افتاد.

- با کمال میل، بیا، این کارت منه (من است). ولی این عنوان بزودی عوض می شه (عوض می شود) زیرا در این روزا (روزها) می رم (می روم) به یه خونه جدید (به یک خانه جدید). خونه جدید مون (خانه جدیدمان) در نزدیکی خونه

کهنه مونه (خانه کهنه مان است). اگه
 (اگر) تو نشانیتو (نشانیت را) به من
 بدی (بدهی) من واسه تو (برای تو) نامه
 می فرستم و نشانی جدیدم را می نویسم.
 - با کمال خوشحالی، بیا این کارت
 ویزیت من. راسی (راستی) وقت داری با
 هم ناهار بخوریم و صحبتمونو (صحبتمان
 را) ادامه بدیم (بدهیم).
 - آری می توئم (می توانم) دو ساعت
 باهات (با تو) باشم.
 - خیلی خوب، پس بریم مهمونخونه
 (برویم مهمانخانه) اینارو (اینها را)
 که در دستمه (دستم است) بذارم
 (بگذارم) تو اتاق (توی اتاق) بعداً با
 هم دیگه بریم.
 - خیلی خوب، تاکسی... تاکسی.....
 آقا، بی زحمت مارو (مارا) به مهمانخانه
 "لاله" برین (برید).
 - چشم، آقایون (آقایان) هر کجا
 بفرمایین (بفرمایید) می برم. بفرمایید
 اینم (این هم) مهمانخانه "لاله"
متشکریم.
 - این مهمانخانه رستوران عالی دارد،
 اگه (اگر) میل داری برویم همینجا، هم
 ناهار می خوریم و هم صحبتمونو ادامه
 می دیم (صحبتمان را ادامه می دهیم).
 - خیلی خوب (خوب هم) می شه (می
 شود).

- خب (خوب) بگو ببینم. از وضع منزل جدیدت راضی هستی؟

- خیلی راضی هستم. اولاً تعداد اتاق ها زیادتره (زیادتر است) یعنی پنج تا اتاق بزرگ و وسیع و روشن دارد. ثانیاً دراش (درهایش) بلند و پنجره هاش (پنجره هایش) نورگیره (نورگیر است). آشپزخانه و حموم (حمام) نیز بزرگ و راحت است. دو تا بالکن داره (دارد)، یکی رو به شرق و دیگری رو به غربه (غرب است). فقط یه (یک) عیبی دارد.

اونم اینه که (آن هم این است که) تلفن ندارد. انشاالله به زودی تلفن هم خواهیم داشت.

- در خونه (خانه) جدیدت مبل و کتاجخانه و میز تحریر و تلویزیون و یخچال و ماشین لباسشویی و جارو برقی و سایر چیزا (چیزها) داری؟

- بله، خیلی وقته (وقت است) که ما اونارو (آنها را) داریم. دیروز واسه (برای) خرید لوازم مطبخ و رختخواب آمدم.

- پس هر چی لازمه (هر چه لازم است) خریدی یا نه؟

- آری، لوازم خواب یعنی روبالشی، ملافه، پتو و غیره و از لوازم آشپزی دیگ، تابه و سیخ و بشقاب های بزرگ و کوچک، کاسه و دیس و قاشق و چنگال و کارد و سینی و نمکدون و فلفلدون (نمکدان

و فلفلدان) سرویس چایخوری و سرویس
غذاخوری خریده ام
و همه اش تو ماشینمه (توی ماشینم
است). انشاء الله، فردا صبح (صبح) به راه
می افتم. خیلی خوشوقتم که ما همدیگه رو
(همدیگر را) دیدیم، چن (چند) ساعت
وقتمونو (وقتمان را) یه جا و با ام
(یک جا با هم) به سر بردیم، خیلی ممنونم
از اینکه با هم ناهار خوردیم.
- ای دوست عزیزم، ولش کن. بابا،
چیزی نیست.

- یک خواهش دارم، هر وقت فرصت کردی
تشریف بیار (تشریف بیاور) به اصفهان
"نصف جهان" و مهمون (مهمان) من باش.
از اومدن (آمدن) تو همه مون (همه مان)
خیلی خوشحال می شیم (می شویم). چیزایی
کی (چیزهایی که) خریده ای خیلی خیلی
مبارک باشد. به سلامتی از اونا (آنها)
استفاده کنین (استفاده کنید).

- متشکرم، دوست عزیزم، خدا حافظ.

- خدا نگهدار، به سلامت.

B. Yangi so‘zlarni yod oling.

کلمات جدید را حفظ کنید.

C. Tushunganlaringizni og‘zaki tilda gapirib bering.

چیزی که فهمیدید در زبان گفتاری
بازگویی کنید.

13-mashq.

A. Matnni o‘qing va o‘zbek tiliga tarjima qiling.

متن را بخوانید و بزبان ازبکی ترجمه کنید.

رایانه

به رادیو گوش می دهی، روزنامه می خوانی، مجله ای را ورق می زنی، تلویزیون تماشا می کنی و هر روز خبرهای تازه ای می شنوی. خبرهایی که همه عجیب و شگفت انگیزند. گاه از کشف یک ستاره گزارش می دهند و گاه از اعماق اقیانوس ها و دریاها، گاهی نیز نتیجه ی موفقیت آمیز یک آزمایش را نشان می دهند. انسان هیچ گاه از کنجاوی و تکاپو دست نمی کشد. او می خواهد همه چیز را بداند و به راستی چه رنج ها و خطر هایی را برای دانستن تحمل می کند!

اما تحمل مشکلات و سختی ها بسیار شیرین و دل پذیر است. وقتی که انسان چیزی را کشف یا اختراع کند یا نکته ای تازه بیاموزد. یکی از اختراعات بزرگ انسان رایانه یا کامپیوتر است. آیا دوست دارید با هم به دنیای رایانه سفر کنیم. و با این اختراع بزرگ بیشتر آشنا شویم؟ هزاران سال پیش، انسان ها برای شمارش گاوها، گوسفندها، مرغ ها و خروس هایشان از انگشتان دست خود استفاده می کردند. اما کم کم آموختند که از وسایل دیگر نیز می توان برای شمارش استفاده کرد. تا روزی رسید که

وسیله ای به نام چرتکه ساخته شد که کار شمارش را آسانتر و سریع تر می کرد. نزدیک چهار صد سال پیش نیز نخستین ماشین حساب بزرگ بود و فضایی به اندازه یک اتاق را اشغال می کرد. سر انجام رایانه ساخته شد که نه تنها کار ماشین حساب بلکه هزاران کار دیگر را نیز انجام می دهد.

به کمک رایانه ها می توانیم سریع تر حساب کنیم، مسئله های گوناگون را حل کنیم، نامه بنویسیم، کتاب و روزنامه بخوانیم، طراحی یا نقاشی کنیم و خبرها و اطلاعات لازم را به دست آوریم. از رایانه در بسیاری از مشاغل نیز استفاده می شود. اکنون رایانه را در همه جا می توان یافت: در بانک ها، در فروشگاه ها، در مدرسه ها، در خانه ها و حتی در شهربازی ها.

شاید شما کلمه "اینترنت" را هم شنیده باشید. با رایانه ها می توان به شبکه اینترنت وارد شد و تازه ترین خبرها را در باره اختراعات و اکتشافات، از گوشه و کنار جهان به دست آورد. می توان در خانه نشست و کتاب مورد علاقه خود را از روی صفحه رایانه خواند یا فیلم دخواه خود را تماشا کرد. رایانه برای انسان پدیده ای تازه است و انسان در به کار گیری آن هنوز در حال تجربه است.

B. Savollarga javob bering.

به پرسش‌ها جواب بدهید.

۱. به نظر شما رایانه‌ها در آینده چگونه خواهند بود؟

۲. رایانه در چه زمینه‌هایی به انسان کمک می‌کند؟

۳. چه چیز باعث اختراعات و اکتشافات می‌شود؟

۴. آیا روزی رایانه‌ها می‌توانند به جای ما فکر کنند؟

Foydalanilgan adabiyotlar va manbalar ro‘yxati

O‘zbek tilidagi adabiyotlar:

1. Abdusamatov M. Fors tili. –T.: 2007.
2. Alimova X. Dariy tili.–T.:2008.
3. Rafiyev A. Chet elliklar uchun o‘zbek tili. –T.:1997.
4. Hamidov X. Turk tilidan mashqlar to‘plami. –T.:2009.
5. Quronbekov A. Fors tili o‘qish kitobi. –T.: 2008.

Rus tilidagi adabiyotlar:

6. Овчинникова И.К. Учебник персидского языка. –М. 1966.
7. Овчинникова И.К. Учебник персидского языка. –М. 2002.
8. Рубинчик Ю.А. Персидско-русский словарь. –М. 1970.

Fors tilidagi adabiyotlar va manbalar:

9. پریچهر جبلی آده . فارسی پنجم دبستان. - تهران، ۱۳۸۶.
10. تهینه رستم او. آموزش زبان فارسی به ترکی آذربایجانی. - تهران، ۱۳۷۶.
11. حسن احمدی گیوی، دکتر حسن انوری . دستور زبان فارسی. جلد اول. - تهران، ۱۳۸۵.
12. حسن احمدی گیوی، دکتر حسن انوری . دستور زبان فارسی. جلد دوم. - تهران، ۱۳۸۷.
13. حسین خلیلی فر. تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان. - تهران، ۱۳۸۷.
14. مودب پور. پریچهر. - تهران، ۱۳۸۴.

15. صادق هدایت.
16. یدالله شمّره. آموزش زبان فارسی. جلد سوم. - تهران، ۱۳۷۱.

MUNDARIJA

| | |
|------------------------------------------------------|-----|
| Soʻz boshi..... | 3 |
| Mant: ايران | 5 |
| | |
| Fonetika..... | 13 |
| Morfologiya. Soʻroq yuklamasi..... | 14 |
| Otlarda son kategoriyasi. Koʻplik..... | 15 |
| Otning egalik kategoriyasi..... | 17 |
| Morfologiya. Aniq oʻtgan zamon feʻli..... | 21 |
| Izofa..... | 27 |
| Hozirgi-kelasi zamon feʻli..... | 29 |
| Vaqtning ifodalanishi..... | 34 |
| Old koʻmakchilar..... | 37 |
| Feʻlning buyruq mayli..... | 41 |
| Fors tilida numerativlar..... | 44 |
| Feʻlning hozirgi-kelasi zamon shart-istak mayli..... | 50 |
| Harakat yoki holat nomini bildiruvchi otlar..... | 56 |
| Oʻtgan zamon davom feʻli..... | 57 |
| Oʻtgan zamon sifatdoshi..... | 61 |
| Oʻtgan zamon shart-istak mayli..... | 63 |
| Son..... | 68 |
| Sifat..... | 70 |
| Hozirgi zamon sifatdoshi..... | 75 |
| Kelasi zamon sifatdoshi..... | 78 |
| Oʻtgan zamon natijali feli..... | 85 |
| Uzoq oʻtgan zamon feʻli..... | 90 |
| Shaxssiz gaplar..... | 93 |
| Aniq kelasi zamon feʻli..... | 97 |
| Feʻlning majhul nisbati..... | 101 |
| Feʻlning orttirma nisbati..... | 103 |
| Arifmetik qoidalar..... | 107 |
| Foydalanilgan adabiyot va manbalar roʻyxati..... | 125 |